

بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

اکتبر - دسامبر 2012، شماره 41

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

<http://iran-worker.blogspot.de/>

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظائف این نهاد است. نهاد همبستگی، در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظائف این نهادها می باشد.

تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشار محروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است. تبلیغ ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظائف ماست.

تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی از جمله وظائف مشترک ماست.

جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظائف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

<http://iran-worker.blogspot.de/>

بولتن اخبار کارگری

شماره 41 اکتبر - دسامبر 2012

- 3 برای آزادی فوری، بی قید و شرط کارگران زندانی
تشکله‌ها و شرایط موجود جنبش کارگری
- 7 سخنرانی محمد عبدی پور
علیه قوانین ضد کارگری جمهوری اسلامی سرمایه
- 12 سخنرانی علامرضا علامحسینی
کودکان کار و خیابان
- 19 سخنران جلیل شریقیان
پیام به کارگران اعتصابی معادن در آفریقای جنوبی
- 22 پیام در همبستگی با طبقه کارگر اروپا در اعتراض به سیاستهای ریاضت اقتصادی
- 23 در محکومیت دستگیری، شکنجه و کشتار ستار بهشتی و جمیل سویدی
- 25 اسناد دیگری از بی دادگاه های نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی علیه کارگران
- 31 کشتار فجیع کارگران در مسلخ سرمایه



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-
خارج کشور
Solidarity Committees with the
Iranian Workers' Movement-
abroad

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.

رژیم سرمایه داری

شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،

علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.

رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و

سالها بازداشت برای کارگران زندانی و

شروط و وثیقه های سنگینی

برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.

رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران،

جریمه های نقدی سنگینی را بر کارگران برای آزادی از

زندان تحمیل می کند.

رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند،

اعدام می کند.

تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وادار نماید.
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را
بعقب نشینی واداشت.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای،
گروهها و... را فرامیخواند که به هر شکل و
با هر توانی که دارند

کمپینهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی
زندانیان سیاسی سازماندهی نموده و پیوندند،
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

خواهان آزادی فوری،

بی قید و شرط

کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی هستیم!

به کمپینهای آزادی کارگران زندانی
و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت
کنید و خواست آزادی کارگران را هر
چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،
سندیکاها، اتحادیه های کارگری،
نهادهای مترقی و سوسیالیستی

برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در تشکل های طبقاتی و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کتلن نظم موجود اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری تشکل ها

و شرایط موجود جنبش کارگری

با شرکت تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی برای
کمک به ایجاد تشکل های کارگری

Paltalk Otag: Iran - Tajarobe Kargari Category: Asia, Subcategory: Iran

11 اکتبر 2012 ساعت 20.00 بوقت اروپای مرکزی ، 20 مهر، 1391 ساعت 21.30 بوقت ایران

نهادهای همبستگی به برگزاری یک سلسله جلسات عمومی با فعالین کارگری و یا عضو تشکلهای و نهادهای کارگری، برای انتقال تجربه و بحث حول مسائل مهم سیاسی جنبش کارگری و ... برای کمک به ایجاد تشکلها در دوره حاضر میپردازد. این جلسات هر بار با شرکت یک و یا چند تن برگزار خواهد شد.

متن سخنرانی آقای محمد عبدی پور از اعضای کمیته هماهنگی در اتاق تجارب کارگری

روشنگری مواضع "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" در اتاق تجارب کارگری، نهاد های همبستگی با جنبش کارگری ایران خارج از کشور به تاریخ 20 مهرماه 1391 .

با درود و سپاس فراوان به شما دوستان حاضر در اتاق و با تشکر از نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در خارج از کشور که این امکان را برای ما فراهم کردند. من محمد عبدی پور ، عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری از طرف تعدادی از دوستان ، امشب می خواهم به سهم خود . بعضی از مواضع و سیاست های حاکم بر رویکرد کمیته هماهنگی را مورد بحث و تبادل نظر قرار دهیم

با توجه به اینکه افراد و جریانهای مختلف که هر کدام به شکلی از اشکال ، کمیته هماهنگی را مورد نقد قرار داده اند و یا گاهی شاهد آن بوده و هستیم که تعدادی با دید غیر واقعی و غیر دیالکتیکی به قول خودشان به نقد کمیته هماهنگی پرداخته اند ، جا دارد نه در پاسخ به این افراد و جریانها ، بلکه خطاب به کارگران و مدافعان کارگری و جنبش کارگری و تنها جهت روشنگری به سهم خود به دفاع از کمیته هماهنگی با ذکر مواردی بپردازیم .

هدف ما دفاع از کمیته‌ای نیست که خود عضو آن هستیم، بلکه دفاع از رویکرد و حقانیتی است که در کمیته هماهنگی وجود دارد. به هیچ وجه معتقد به آن نبوده و نیستیم که کمیته هماهنگی به دور از ضعف می‌باشد، بلکه ما اعتقاد داریم که ظرفیت طبقاتی و رویکرد کارگری حاکم بر کمیته هماهنگی، بعنوان یکی از برجسته‌ترین کمیته‌های فعالین کارگری در ایران این شایستگی و این توان را دارد که در حد خود، بتواند بیشتر از گذشته در جنبش کارگری تاثیر گذار باشد.

همانطور که همگی شما اطلاع دارید کمیته هماهنگی محصول شرایطی بود که مناسفانه صدای کارگران و زحمتکشان و فعالین و روشنفکران آن در درون کارخانه‌ها و کارگاه و مراکز کارگری به شدت در گلو خفه شده بود. بعد از دستگیری فعالین کارگری شهر سقز در سال 83 ضرورت ایجاد نمود که کمیته‌ای به منظور پیوند فعالین کارگری تشکیل شود اکنون کمیته هماهنگی محصول آن شرایط است که بعد از تصویب اساسنامه و اعلام علنییت با پلاتفرم کارگری پا به عرصه مبارزه گذاشت. قطعاً برای کارگران و فعالین کارگری آشکار بود که شکل علنی و با حفظ استقلال طبقاتی مشکلات و فشارهای جدی و گوناگونی را در پی خواهد داشت. اما این امر احساسی یا بدون عقلانیت نبود. سکوت بیش از این جایز نبود. همه هم طبقاتی هایمان در ایران و جهان می‌بایست درد و رنج ما را می‌شنیدند تا همه با هم به این پیکار بپردازیم.

کمیته هماهنگی بعنوان گرایش چپ جنبش کارگری از همان ابتدا با برافراشتن شعار ایجاد تشکل‌های کارگری به نیروی خود کارگران و بدون کسب اجازه از دولت و کارفرمایان و سایر عوامل سرمایه، مبارزه علنی خود را شروع کرد و تا به امروز با این شعار در دورن جنبش کارگری در حد توان دست به مبارزه‌ای پیگیر زده است.

این کمیته از همان آغاز تا به امروز توانسته است با موانع پیش روی جنبش کارگری با توجه به توازن قوا و با توجه به شرایط موجود برخورد قاطع کند و دیدگاه‌های خود را چه عملی و چه نظری بیان نماید.

اعضای متشکل در کمیته هماهنگی نه تنها خود اکثر کارگر هستند بلکه از خانواده‌های کارگری، اخراجی‌ها و افراد تحت ستم و روشنفکران طبقه‌گراگر بوده که در شرایط‌های مختلف در عرصه‌های مبارزه طبقاتی حضور فعال داشته‌اند.

بدون اغراق و با جسارت بیان می‌کنیم که رویکرد حاکم بر کمیته هماهنگی با استناد به عملکرد آن کاملاً طبقاتی است. که با در نظر گرفتن منافع کنونی و جاری طبقه کارگر و دور نمای این مبارزه و با استناد به کارکرد این کمیته قابل اثبات می‌باشد.

آنجا که بحث تشکل‌یابی بوده است کمیته هماهنگی پرچمدار رادیکالیسم این شعار بوده و در هر کجا که این امکان فراهم شده باشد بصورت مستقیم حضور داشته و ضمن دخالتگری و ارائه بحث‌های منطقی، کارگران و پیشروان را به این سمت و سو فرا خوانده است. فراخوان ما این می‌باشد که باید تشکل کارگری به نیروی خود کارگران و بدون کسب اجازه از کارفرما و دولت ایجاد شود و دولت‌ها تنها وظیفه دارند آنها را به ثبت برسانند. کمیته هماهنگی هر جا که امکان داشته در صف اعتراض کارگران حاضر شده و با استفاده از تجارب جنبش کارگری ایران و جهان، نحوه مبارزه و راه کارهای مناسب مبارزاتی را با کارگران جهت ادامه و روند مبارزه در میان گذاشته است. که نمونه‌های فراوانی را می‌توان نام برد.

کمیته هماهنگی بعنوان کمیته‌ای علنی در داخل جنبش کارگری ایران اولین کمیته‌ای بوده که با جسارت تمام نقش و جایگاه خانه کارگر، شورا‌های اسلامی کار، شوراهای عالی کار و دیگر نهاد‌های وابسته به سرمایه‌داری را تشریح کرده و از ماهیت واقعی آنان رو به طبقه کارگر و جنبش کارگری روشنگری نموده. با توجه به این روشنگری بود. که امروز با جسارت می‌توان گفت با اتفاق نظری در جنبش کارگری روبرو هستیم که خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار،

شورای عالی کار، نهاد های کاملاً ضد کارگری هستند و بعنوان نهاد های سرکوب گر از آنها نام برده می شود.

این کمیته، اولین کمیته ای بوده که از ماهیت شورای عالی کار و مکانیزم سه جانبه گرایی بارها سخن گفته است و ضمن توضیح کارکرد سه جانبه گرایی به مقابله با آن پرداخته و با نقد ماهیت سه جانبه گرایی و طرح شعار تعیین دستمزد از طریق انتخاب نمایندگان منتخب کارگران به مقابله با آن پرداخته است. و اعلام نموده است اینها صلاحیت تعیین سطح دستمزد را برای کارگران و اقشار تحت ستم را ندارند.

همانطور که به صورت نمونه و فهرستوار به موارد اشاره کردیم کمیته هماهنگی هم در عمل و هم با طرح مباحث نظری با موانع پیشروی جنبش کارگری مبارزه کرده است .

از جمله یکی دیگر از موانع جدی و خطرناک برای جنبش کارگری بر ملا کردن نقش و کارکرد نهاد های مالی وابسته به نظام سرمایه داری و امپریالیستی از جمله " سو لیداریتی سنتر " است . اعضای این کمیته بودند که با جسارت تمام رو به جنبش کارگری اخطار دادند که باید با این پدیده شوم ضد طبقه کارگر برخورد جدی نمود. کمیته هماهنگی هر چند مورد نقد افراد و جریاناتی در داخل و خارج قرار گرفت ، اما کمیته در این استراتژی مهم طبقاتی هم موفق عمل کرد و توانست در جنبش کارگری فضایی را ایجاد کند که نماینده گان کارگری از جمله علی نجاتی نماینده کارگران سندیکای نیشکر هفت تپه و رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت و احد با صراحت تمام از استقلال مالی کارگران به دفاع بپردازند و بصورت رسمی اعلام نظر کردند . در تداوم این اقدام ، کمیته هماهنگی توانست چندین گلگشت را همزمان در اکثر شهر ها سازماندهی کند تا بتواند کمک های مالی منظم و شفافی را برای کارگران زندانی و خانواده های آنان جمع آوری کند. جریاناتی می خواستند به طبقه کارگر ایران الغا نمایند . با توجه به این که تعدادی از سرمایه داران برون مرزی و عوامل آن ها با بعضی از سرمایه داران ایران دشمن هستند. یعنی دشمن، دشمن ما، دوست ما هستند. اما کمیته هماهنگی و دوستان هم طبقه ای ما این پروژه ضد کارگری را عقیم، و آنها را به لاکهای خود برگرداندند. این رویکردی استراتژیک برای طبقه کارگر است که اغوای هیچ سرمایه داری نشود.

همانطور که فعالین جنبش کارگری اطلاع دارند در درون کمیته هماهنگی و در جنبش کارگری رویکردی در حال رشد بود که می توانست دور نمای جنبش کارگری را به انحراف جدی بکشاند این انحراف که با رویکرد ضد حزب و ضد سازماندهی و ابزارهای کارگری در حال انتشار و نهادینه کردن اندیشه های خود بود اما تقابلاً با آن اندیشه دوباره به عهده کمیته هماهنگی بود که با جسارت تمام به نقد این رویکرد رفت .

یکی دیگر از کارکرد های کمیته بحث اتحاد عمل بر پایه منافع طبقاتی بوده است. کمیته هماهنگی همیشه یکی از پرچمداران اصلی این رویکرد بوده و سعی و تلاش داشته است تا با موانع پیشروی اتحاد عمل مبارزه کند. نتیجه این اتحاد عمل ها برای همگی شما در زمینه برگزاری و گرامی داشت روز جهانی کارگر، روز جهانی زن و دیگر عرصه ها مشخص است. هر چند باید گفته شود که هنوز بسیاری از موانع جدی دیگری در جنبش کارگری وجود دارد که باید به آنها هم بپردازیم .

ما اعتقاد داریم که دو گرایش اصلی هنوز در جنبش کارگری حضور دارند . یکی گرایش راست و دیگری گرایش چپ درون جنبش کارگری. هر کدام از این گرایشها در برخورد به مناسبات نظام سرمایه داری بر اساس دیدگاه خود، راه کار های مختلفی را پیش پای طبقه کارگر می گذارند. هر روز بیشتر از گذشته طبقه کارگر در ایران زیر بدترین شرایط و مناسبات ناعادلانه قرار می گیرد و مورد ستم واقع می شود. ما شاهد افزایش سیل آسای وسیع توده بیکاران هستیم، اخراج ها، استثنای بی حقوقی روز به روز بر زندگی ما تحمیل می شود ، عدم امنیت شغلی و وجود قرار دادهای موقت و سفید امضاء بیشتر شده است و گرانی سرسام آور ناشی از تحریم های اقتصادی روز به روز تورم را افزوده و عرصه زندگی را بر میلیونها کارگر تنگ تر کرده است . در مقابل این مناسبات هر گرایشی راه کار خود را به پیش

می برد. با توجه به افزایش فشارها بر طبقه کارگر و بحرانی تر شدن اوضاع جامعه، تفکیک این گرایشات در برخورد به موانع نظری و راهکارهای عملی بیشتر خود را نشان خواهد داد. در اوضاع و احوال کنونی کمیته هماهنگی همیشه در تلاش بوده که بر اساس سرفصلهای مشترک، اتحاد عمل را تقویت کند اما برخی از نیروهای موجود با بهانه جویی از این گونه اتحاد عملها خودداری کرده اند. آنجا که کمیته هماهنگی از بیان واقعیات به شفافیت و بدون شایعه پراکنی، شرایط کنونی و سطح مبارزه جنبش کارگری را بیان می کند گرایش راست درون جنبش کارگری در تلاش است تا سیمای غیر واقعی از مبارزه و سطح مبارزه را تبلیغ و ترویج کند. آنجا که مبارزه با سه جانبه گرایی است گرایش راست آگاهانه دم فرو می بندد و با سنگ اندازی و توهین به ما می تازند. آنجا که لازم است که کارگران با حضور مستقیم و نیروی خود به مبارزه پردازند گرایش راست در تلاش است تا در صدر قرار گیرد و با نامه نگاری روحیه مبارزاتی کارگران را تحت کنترل بگیرد و باز هم آن ها را در توهم نگه دارد. آنجا که دفاع از شفاف بودن و استقلال مالی طبقه کارگر به میان می آید گرایش راست یا سکوت می کند و یا بیان می کند که دریافت کمک های مالی از هر کجا و هر جایی جایز است. آنجا که کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری شعار رفع استثمار انسان از انسان را نهادینه می کند، گرایش راست در صدد است تا از طبقه کارگر بصورت ابزاری در خدمت به نظام سرمایه داری استفاده کند.

کمیته هماهنگی را باید با سیاست و کارکردهایش شناخت. مبارزه طبقاتی بر خلاف تبلیغ جریانات مدعی، دست ساخته هیچ سازمان و حزبی نمیتواند باشد. مبارزه کارگر با سرمایه دار، مبارزه ایی واقعی است که در بطن نظام سرمایه داری جریان می یابد و به خاطر تضاد آشتی ناپذیر طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار ایجاد می شود. ما اعضای متشکل در کمیته هماهنگی با شناخت این تضاد به جنگ سرمایه داری می رویم و معتقدیم بدون حضور متشکل کارگران، هیچ مبارزه ای پیش نخواهد رفت. ما همیشه گفته ایم که این طبقه کارگر است که میتواند به نیروی خود با مناسبات سرمایه داری تعیین تکلیف کند. در این میان ما بعنوان کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری وظیفه خود قرار داده ایم در کنار طبقه کارگر باشیم و به سهم و توان خود در امر مبارزه طبقاتی گام برداریم. همیشه یک سوال رو به کمیته هماهنگی مطرح شده و می شود که تاکنون بر اساس شعار محوری کمک به ایجاد تشکل های کارگری، این کمیته چند تشکل را ایجاد کرده است؟ باید یاد آور شد که امر تشکل یابی وظیفه خود کارگران است و نقش محوری و اساسی را خود طبقه کارگر بعهده دارند و ما تنها می توانیم پیش قراولانی باشیم که نسبت به تشکل یابی به نیروی کارگران تلاش کنیم. هر چند باید گفت این کمیته در بسیاری از اعتراضات و اعتصابات کارگری نقش محوری داشته و همچنین در ایجاد تشکل کارگران نیشکر هفت تپه نقش ویژه ای ایفا کرد. اما تکرار این واقعیت ضروریست که تشکل یابی امر خود کارگران است و سعی ما بر این است که کارگران را در این امر در حد توان یاری رسانیم. البته اینجا یک سوال از طرف ما هم مطرح خواهد شد. که تمام منتقدان واقعی و غیر واقعی که ما را مورد سرزنش قرار می دهند تاکنون چه نقشی در جنبش کارگری ایفا نموده اند.

دوستان ما اعتقاد داریم با اراده من و دیگری هیچ مبارزه ای ساخته نمی شود بلکه این مبارزه جاریست که وظایفی را برای ما مشخص می کند و باید بر اساس این شرایط دخالتهای ما باشیم با تمام توان از منافع طبقاتی دفاع کنیم.

همانطور که شاهد هستید کمیته هماهنگی تنها کمیته ای است که مورد بیشترین حمله ها واقع شده است. اکثر اعضای آن را بازداشت، مورد ضرب و شتم قرار داده و از محیط های کار اخراج شده اند، اما همچنان از دفاع سر سخته منافع طبقاتی کارگران عقب ننشسته اند.

آنچه گفته شد تنها گوشه هایی از سیاست و رویکرد و عملکرد کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری بود که تقدیم شما شد.

بعنوان بخش پایانی موضوع چه باید کرد را مطرح می کنیم. سایه جنگ احتمالی، مسئله تحریم های اقتصادی، گرانی و فقر بی حد و مرز و در یک کلام گرسنگی و نبود آزادی شرایط

بی نهایت غیر قابل تحملی را ایجاد کرده است . جواب ما به این وضعیت چیست ؟ آیا باید دست روی دست گذاشت و در کنار وقایع پیش آمده به راحتی عبور کرد ؟ جواب ما به جنگ احتمالی چیست ؟ برای رهایی از وضعیت موجود چه باید کرد؟ ما انتظار داریم که تمامی کسانی که خود را حامی و مدافع طبقه کارگر می دانند و باور دارند که انقلاب کار توده های کارگر و زحمتکش است و هیچ جریانی نمی تواند به نیابت طبقه کارگر قدرت را بدست بگیرد ، باید به همفکری پرداخت و برای برون رفت از شرایط امروز فکری کرد.

باز هم از همگی شما ممنون هستیم که به صحبت های ما توجه کردید.



ایران اخبار جنبش کارگری / Iran-Arbeiterbewegung / Iran-Labour Movement

This blog provides the translation of the news about the labour movement in Iran in English German, French, swedish, etc. Dieser Blog stellt die Übersetzung der Nachrichten über die Arbeiterbewegung im Iran auf Deutsch und Englisch, Französisch, swedisch usw. zur Verfügung.

از وبلاگ اخبار کارگری، به زبانهای مختلف، دیدن کنید

<http://iran-worker.blogspot.de/>

در این وبلاگ، ترجمه اخبار جنبش کارگری در ایران به زبان های انگلیسی، آلمانی، فرانسه، سوئدی و غیره منتشر می شود.

کلیپهای نهادهای همبستگی

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy?feature=BF>



از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

علیه قوانین ضد کارگری

جمهوری اسلامی سرمایه

17 - قانون شکنی جمهوری اسلامی

علیه کارگران حق طلب

غلامرضا غلامحسینی

عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

Paltalk Otage: Iran - Tajarobe Kargari Category: Asia, ... Subcategory: Iran

25 اکتبر 2012 ساعت 20.00 بوقت اروپای مرکزی 4 آبان 1391 ساعت 21.30 بوقت ایران

نهادهای همبستگی به برگزاری یک سلسله جلسات عمومی با فعالین کارگری و یا عضو تشکلهای و نهادهای کارگری، برای انتقال تجربه و بحث حول مسائل مهم سیاسی جنبش کارگری و ... برای کمک به ایجاد تشکلهای در دوره حاضر میپردازد. این جلسات هر بار با شرکت یک و یا چند تن برگزار خواهد شد.

متن سخنرانی غلامرضا غلامحسینی

من غلامرضا غلامحسینی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد که در سال یک هزار و سیصد و هشتاد و سه به استخدام شرکت واحد در آمدم و در سال یک هزار و سیصد و هشتاد و چهار بعد از اعتصابات شرکت واحد از کار بیکار شدم همانگونه که دوست عزیزمان آقای حمید قربانی فرمودند پس از چهار سال با همکاری دوستان سندیکائی و پیگیری مستمر موفق شدیم مجدد به سر کار برگردیم و پس از مدت کوتاهی مجدد بیکار شدم و در این ایام بیکاری بارها توسط مأمورین پلیس امنیت بازداشت شده به زندان روانه شدم و در نهایت مجبور شدم ایران را ترک کنم و امروز در ترکیه و در خدمت شما هستم

مطلبی که امروز مورد بحث ماست قانون شکنی جمهوری اسلامی علیه کارگران حق طلب من لازم میدانم که توضیح مختصری راجع به خودم بدهم که چگونه و از کی کارگر شدم و چه حسی نسبت به کارگر بودم داشته و دارم. من پس از پایان دوره راهنمایی حدوداً چهارده یا پانزده ساله بودم که وارد بازار کار شدم و در خیاطی های تهران کار کردم، از همان ابتدای کار که به شاگردی و خیاطی پرداختم یک چیزی حس میکردم که در یک کارگاه خیاطی هفت، هشت

نفره هفت یا هشت کارگر در حد نصف کار فرما هم حقوق نمیگرفتند، یعنی اگر یک کار گاه هفته ای بیست هزار تومان در آمدش بود، کمتر از ده هزار تومان مال کارگران بود و بیشتر از ده هزار تومان به کار فرما میرسید از همان زمان بود که یک حس و حالتی در من بوجود آمد که چرا این نا برابری باید در سطح جهان وجود داشته باشد و چگونه میتوان این را حل کرد.

واقعن پس از گذشت سالین سال راهی برای این پیدا نکردم و همچنان آشفته بودم، با خودم فکر میکردم که چگونه میتوان راهی پیدا کرد. چون این تعداد کارگران که در این واحد تولیدی کار میکردند و هفت، هشت نفر بودیم همیشه از کمبودها در زندگی صحبت میکردیم، از نرسیدن حقوق تا آخر هفته، چون در آن موقع ما هفتگی حقوق میگرفتیم و نرسیدن برای تأمین معاش زندگی و ملزومات زندگی، درد دلی بود که بین ما کارگران وجود داشت و امروزه نیز در ایران به مراتب بیشتر از آن موقع وجود دارد. بعد از چندین سال کار کردن در ایران، من در سال هزار و نهصد و نود به ژاپن رفتم جهت کار کردن و در آنجا بعد از دو سال من دیدم که کارگران درست است که من آشنا می باشم با فرهنگ ژاپن ندا شتم چون من نمیتوانستم بخاطر سخت بودن زبان وارد جزئیات فرهنگی بشوم ولی دیدم به نسبت از آسایش برتری برخوردار بودند به نسبت حقوقی که میگرفتند، حد اقلش این بود که میتوانند تا سر ماه زندگی کنند. بعد از اینکه از ژاپن برگشتم یک مدت باز به همان کار کارگری خیاطی ادامه دادم، بعد از آن مشاغل دیگری و تا اینکه به استخدام شرکت واحد در آمدم. وقتی که در سال یک هزار و سیصد و هشتاد و سه به استخدام شرکت واحد در آمدم، در اوایل سال یک هزار و سیصد و هشتاد و چهار بود که خبری بین کارگران شرکت واحد پیچید که اعضای خانه کارگر ریختن و اعضای سندیکارا کتک زده اند، چون من کارگر جدیدی بودم بین همکارانم کنجاو شدم و پرسیدم: خانه کارگر چیه و سندیکا چیه و بعد از یک سری پرس و جوها پی بردم که خانه کارگر نماینده کارگران است اونموقع میگفتن اینها نمایندگی کارگر هارو دارن و واقعاً من تا اونروز هیچ چیز از قانون کار نمیدانستم که قانون کار چیست و کاربردش چیست؟ و واقعاً برام خیلی تعجب آور بود و پرسیدم: این دو گروهی که باهم درگیر شده اند مگر کارگر نیستند و اینها همه کارگر بودند، هم خانه کارگری ها و هم سندیکائی ها. چرا دو گروهی که کارگرند باید باهم دعوا کنند و درگیر بشوند چرا اینها با کار فرما مشکلاتشان را حل نمیکند مگر کارگر با کارگر میتواند مشکلی داشته باشد که بجان هم بی افتند که بخواهند حل کنند. اگر مشکلی هست صد در صد با کار فرماست. از این رو من با توجه به اینکه اکثرانندگان محترم شرکت واحد که من در آنموقع با آنها صحبت میکردم از وجود شورای اسلامی کار و خانه کارگر ناراضی بودند و من شوق پیدا کردم که به سندیکا بروم، سندیکا در آن موقع جلساتی هفتگی داشت و من یک بار در این جلسات شرکت کردم و دیدم صحبت هائی که در سندیکا میشود، صحبت های خوب و پسندیده ای است که بدلیل عقل می شود پسندید و هر جمعه جلسات هفتگی سندیکارا میرفتم و کلاس هائی بود آنجا کلاسهای آموزشی قانون کار و در این کلاسها چند بار شرکت کردم و کتاب قانون کار را گرفتم و خواندم و واقعاً دانستن قانون کار جسارت بوجود می آورد و یواش یواش فهمیدم.... میتوانم راحتتر صحبت کنم و به اصطلاح دست ما یه قرا بدیم این قانون را اگر جائی گیر کردم..... که در آن رأی گیری سندیکا شرکت کردم و عضو سندیکا شدم و کارت سندیکائی هم هنوز موجود است و همینطور رفتار گرفته بجای اینکه اون شیوه قدیم زندگی را ادامه بدم مطالعه میکردم چه در منزل و سر کار و مطالبات کارگری را دنبال میکردم و اخبارش را هم که در سندیکا منتشر میشد پی گیری میکردم، تا منجر شد به اعتصاب و بیکاری ما بعد از بیکاری در بازجویی هائی که مأمورین وزارت اطلاعات و مأمورین اطلاعات سپاه از ما میکردند من به یک چیزی پی بردم که آن افرادی راهم که ما را مورد بازجویی قرار میدهند هیچ چیزی از قانون نمیدانند و واقعن برایشان خیلی جالب بود و میگفتند خیلی جالب است که راننده شرکت واحد آمده اینجا حرف از قانون میزند و این برام خیلی تعجب آور بود در اینجا من به یک چیزی که طی یکسال به اصطلاح برخورد با افراد سندیکا مدیر سندیکا با مطالعه پی گیری اخبار به این درک کردم که شرح وظیفه مهمترین چیزی است که باید به افراد آموزش بدهند وقتی به کارگمارده می شود باید شرح وظیفه اش را به او توضیح دهند که وظیفه شما این است و باید این کارا بکنند و هر کجا اقدام غیر قانونی انجام شد به او میگویند که این شرح وظایف شما نیست و حق این برخورد را نداری مثلاً بازداشت هائی را که میشدیم و مأمورین کلانتری میامدند و ما را بازداشت میکردند و اعلام میکردیم ولی باز ما را میبردند و در این بازجویی ها خیلی وقتی حرف قانون میزدیم یک بخشی را میدیدیم که با خشونت برخورد میکردند و یک بخشی هم در همان اتاق باهم صحبت میکنند و میگویند اینها یک آگاهی ای دارند و با اینها نمیشه مثل بقیه برخورد کرد یعنی واقعاً با گوشه های خود شنیدم میگفتند اینها حرف از قانون میزنند حالا چرا و دلیل اصلی اش چیه که دولت جمهوری اسلامی ایران با کسانی که حق طلبند و قانون خواه است دارند مبارزه میکنند این باز برام یک سؤال بود

یعنی باز به این نتیجه رسیدیم که یعنی به این واقعیت رسیدیم که تنها راهی که هر مسئول دیکتاتوری را میتواند به زانو در بیاورد آگاهی بخش عظیم جامعه کارگری هر جامعه و یا هر کشوری است و نمیتواند وقتی کارگر آگاه باشد به او تحمیل کنند. این است در بازجویی ها خیلی روی قانون تکیه میکردیم ولی من تکیه کلامم روی قانون بود و این حق ما ست و قانون این حق را به ما داده و شما باید قنون را مطالعه کنید و حق ندارید با ما غیر قانونی برخورد کنید. و رفتاری که از سوی نیروهای مقابل که همان مسئولین اطلاعات و بازجو ها بودند میدیدی باز غیر قانونی عمل کردن قانون شکنی کردن و در مقابل قانون خواهان ایستادگی کردن بود و در بخشهایی اعلام میشد که به ما دستور دادند و قانون نمی دونیم چیه و ما طبق دستور مافوق عمل میکنیم ما گفتیم حتمن ما فوق شما هم کار غیر قانونی دارد میکند و شما نباید تبعیت کنید به هر حال میگفتند ما مجبوریم. این بحث وقتی باز جو ها میگفتند که ما مجبوریم این کار را بکنیم من به این نتیجه رسیدیم که در جامعه ی ما یک مشکلی هست و این مشکل کجا و چگونه بوجود آمده ؟

باز لازم میدانم که یک مختصری راجع به شکل گیری جمهوری اسلامی ایران در سال یکهزار و سیصد و پنجاه هفت بوجود آمد. توضیحاتی خدمت دوستان عزیز ارائه بدم هر چند دوستان بهتر از من و خیلی آگاه تر از من این مسائل را میدانند در سال هزار و سیصد و پنجاه هفت وقتی یک دگر گونی اجتماعی بوجود آمد، من نامش را انقلاب نمیگذارم هیچ موقع، یک دگر گونی اجتماعی یعنی تغییر رژیم، حکومت اولین کاری را که کرد برای اینکه این تغییر رژیم به یک انقلاب درون جامعه تبدیل نشود اولین کاری که کرد افراد آگاه و گروه های چپ را کوبید و اونها را از بین برد و همه را متلاشی کرد و اقدام به ساختن یک حاشیه امنیتی برای خودش ایجاد کردو با اسم گذاشتن روی هر طیف مبارز سیاسی، اینان منافقند اینان کمونیستند با توجه به اینکه در کشور ایران اطلاعات عمومی مردم در سطح پایین است و براحتی این الفاظ را مسئولین آروز توانستند در جامعه و گسترش بدن و حاشیه امنیت را برای خود فراهم آورند و هر کس حرف از قانون میزد، میگفتند مگر شما با فلان حزب سیاسی چپ سر و کار داری اینها را من بعداً متوجه شدم که این روند را دولت پیش گرفت و کماکان هم دارد ادامه میدهد اما از یک طرف استفاده از قوه قهریه برای سرکوب خواستهای اجتماعی هر جامعه کاری است کاملاً اشتباه که امروزه میبینیم علیرقم سرکوب هر چه بیشتر دولت دیکتاتور جمهوری اسلامی ایران هیچگونه فعالیتهای اجتماعی محدود یا محو نشدند حداقل محو نشدند و رو به جلو در حال پیشروی هستند و میبینیم که امروزه علیرقم ایستادگی و ضرب و شتم، زندان و بیکاری کارگران کشور ایران به آگاهی رسیدن که حرف از حداقل اش این است که حرف از اعتصاب میزنند و در بخشهایی این اقدام را انجام میدهند

دولت جمهوری اسلامی ایران اگر قانون شکنی میکند در برابر آحاد مردم که اکثریت جامعه را کارگران، شمارش را کارگران تشکیل داده اند اگر قانون شکنی میکند فقط به این خاطر است که اگر دولت جمهوری اسلامی ایران تن به قانون بدهد همین قانون ناقص و نارسانی که وجود دارد تن بدهد واقعاً وجود خودش را نابود میکند، به همین خواسته ها اگر تن بدهد خیلی از اقتدار گرایی که امروز دولت دارد نمیتواند داشته باشد و طعیت مردم بهتر می شود، وضعیت اقتصادی بهتر می شود و این باز اصلی ترین چیزی که میتواند اینجا نقش داشته باشد وجود تشکلات مستقل کارگری استو همانطور که عرض کردم که بعد از انقلاب این تشکلات مدنی را همه را از بین بردند تشکلات کارگری را از بین بردند اجازه ندادند هیچ تشکلی شکل بگیرد و امروزه هم بر این خواسته غیر قانونی شان مصمم هستند و هیچ نهاد مدنی حنا انجمن محلی، انجمن کاری یا سندیکای کارگری را دولت بهش تن در نمیده و برای اینکه کارگران ایران بتوانند به حداقل هائی از رفاه اجتماعی دست یابند باید هزینه در مقابل این قانون شکنی حاکمان دولت جمهوری اسلامی ایران را بدهند و این هزینه، دادن به این می انجامد که بتوانند سند یکای مستقل کاری داشته باشند، انجمن مستقل کاری داشته باشند، شورای مستقل کاری داشته باشند و از این طریق جلو قانون شکنی دولت ایستادگی کنند و اگر جمهوری اسلامی ایران امروزه شاهد هستیم در کلیه سطوح اجرایی کشور قانون شکنی میکند فقط و فقط بخاطر منسجم نبودن ائتلاف جامعه، کارگران، مزد و حقوق بگیران هستند و این بعلت نا آگاهی بخش عظیم کارگران به قوانین و پرداخت نکردن این هزینه است و بخشی حاضر به دادن هزینه نیستند و باید چنان آموزش داده بشه و آن افراد که خودشان را ذینفع و دلسوز جامعه ایران میدانند باید در جامعه ایران اقدام به ترویج ترقیب قوانین توسط ائتلاف مردم بکنند تا بتوانیم جلو هر حکومت دیکتاتور و ضد بشری را بگیریم همچنان که شما من فکر میکنم اطلاع داشته باشید در شهر اصفهان رانندگان سوخت رسان اعتصاب کردند این اعتصاب در واقع حق یک کارگر است، حق کسی است که کار میکند با بتواند اعتصاب کند و جزء ضوابط کار محسوب می شود در سر تا سر دنیا کارگران حق اعتصاب دارند. ما قطعاً شاهد خواهیم بود در روزهای بعد تعدادی از آنها بازداشت شده و به زندان رفته و دچار مشکلات شده اند. باید چنان در جامعه سطح آگاهی را بتوانیم بالا ببریم که وقتی یک بخش از جامعه برای مقابله با قانون شکنی دولت دست به اقدامی میزند و کار درستی را انجام میدهد ترسی نداشته باشد از اینکه به زندان

می‌رود، بازداشت می‌شود و یا اصلاً دولت این حق را به خودش ندهد و این جسارت را به خودش ندهد که بتواند با این افراد برخورد غیر قانونی بکند. و اگر امروزه شاهد هستیم که در اقصی نقاط کشور مشکلات فراوانی وجود دارد، بیکاری های گروهی وجود قراردادهای کارگری سفید امضاء و نداشتن تشکلات مستقل کارگری این صرفاً بخاطر این است که کارگران ایران شیوه حق طلبی خودشان را بدرستی نمیدانند و من فکر میکنم که نمیدانند بدرستی از چه . کانالی باید وارد شد

همانگونه که خود شما مستحضر هستید در سال هزار و سیصد و هشتاد و چهار وقتی در سندیکای کارگران شرکت واحد اعتصابی پیش آمد، بیش از هزار و دویست کارگر را گرفتند و زندانی کردند و من هم یکی از آنها بودم که بعد از آزادی من یک کارگر قرار دادی شرکت واحد بودم و آنروزی که دستگیر شدم دقیقاً اولین روز دومین سال کاری ام بود یعنی روز هفتم بهمن ماه سال هزار و سیصد و هشتاد و چهار من وارد دومین سال کاری خود میشدم بخاطر همان یک روز کار نکردن من اینو میخوام بگویم آن افرادی که میشنوند این هارو، اون بخشی که آگاهس ندارن من فقط بخاطر یک روز کار کردن با تعرفه بعد از چهار سال با استناد به همان قوانینی که در ایران وجود دارد به سر کار بازگشتم، البته ناگفته نماند که فعالیت فعالین جامعه کارگری در خارج از کشور نیز کمک بسیار بزرگی به سر کار برگشتن من و همکارانم کرد و همانطور که مستحضر هستید قطعنامه ها علیه نقض حقوق کارگری در ایران صادر شد و خبر نامه‌ها به شکلی منتشر شد که دولت جمهوری اسلامی ایران نتوانست منکر این عمل غیرقانونیش بشه و هزینه ای که بر او وارد شد مجبور شد بخشی از این کارگران را .. همون کارگرانی که اخراج کرده بود سر کار برگرداند اما این سر کار برگرداندن دولت دال بر پذیرفتن قانون از طرف دولت نشد این را بلاجبار پذیرفت . بعد از آن اومد طرح خصوصی سازی رادر شرکت واحد اجرا کرد و بخشی را باز بخاطر عدم آگاهی به قانون و قانون شکنی که دولت جمهوری اسلامی میکند و این یک بخش عظیمی از راننده ها را از کار بیکار کرد ، باز خریدی های اجباری و اقدامات غیر قانونی دیگری که هر کدام بنوبه خود جای بحث و گفتگوی فراوانی دارد و اما در این مورد که من بارها در این دوره چهار سال بیکاری باز داشت شدم و سه با بزندان رفتم همیشه در بازجویی هام چیز هائی که من میگفتند : آقا شما چه کار به کار مردم داری بیا کار خودت را بکن من میخوام به شما این نکته را بگم که این افراد از قانون واقعاً هراس دارند و من وقتی میگفتم یک مجموعه کاری باید یک انجمن کاری مستقل داشته باشد که به مشکلاتش پی ببرد ، حالا این انجمن اسمش سندیکا میتونه باشه و چیز های دیگر و اینکه آقا چیکار داری با مردم شما کار خودتان را انجام بدهید شاید کسی حقش را نخواهد ، ما میگفتیم ولی این نیست وظیفه مأمور اجرای قانون است نه نقض قانون و نمیتواند بگوید شما چکار دارید به حق مردم او باید کار خودش را انجام بدهد . و در این بازجویی ها به کرات اعلام شد که قانون ، قانون گفتن شما دردی از شما دوا نمیکند چون قانون را ما میگوئیم قانون آن چیزی است که ما توی برگ شما بنویسیم و به دادگاه بفرستیم فکر نکنید اون کتاب قانون که نوشته شده این برای صورت قضیه است عمل شدنی نیست و این نمیگذاریم عمل بشود و این در بخشی است که صد در صد حقوق های آنچنانی میگرفتند که من فکر میکنم به یک بخشهایی از حاکمیت وابسته هستند و حالا این باز خودش یک جای موسکافی دارد که باید بهش بپردازیم . بعد از اینکه این دولت اقدام به کوبیدن تشکل های کارگری کرد گزینش های شخصی کردند مثلاً توی جامعه رایج شد کسانی که برادی در جنگ کشته داده‌اند بیان برن سر کار ، خوب حالا این میرسی به اون کسی که در زمان جنگ بچه بوده و برادری نداشته که کشته بشه آیا این حق حیات ندارد نباید بره سر کار و این یک نوع بی قانونی است و این دولت استفاده قطعی برای خودش کرده ، از یک طرف میاد میگه که آقا شما وارث خون شهیدانید و ارجعیت بر بقیه افراد دارید و این افراد به دلیل آگاه نبودن به قانون به خواسته دولت تن میدهند و با همون خود میجنگند و مبارزه میکنند ، حق دیگران را میکنند و به دولت در حقوق دیگران کمک میکنند ما در شرکت واحد شاهد استخدام عدهای چند گونه بودیم یک بخش در کارگران ، یک بخش در کارمندان که قراردادی بودند و کارگران شرکتی و در این کارگران باز شقه های مختلف وجود دارد مثل مجروحین جنگی ، جانبازان جنگی ، خوب من کارگر میرم سر کار که سی روز کار میکنم ، من و امثال من چهار صد هزار تومن حقوق میگیریم ولی یک کارگری که در جنگ گلوله بهش خورده و نقص عضو است ، هشتصد هزار تومن میگیرد و اگر قانونی بخواهی برخورد کنی این آقا را پزشک اعلام کرده که سی درصد از کار افتاده کسی که سی درصد بدنش از کار افتاده باید بیشتر از کسی که صد در صد وجودش کار میکنه بیشتر در یافت کند . من نمیخوام اون فردی را بکوبم که بخشی از وجودش ناقص شده ، دولت موظف است طبق قانون کسی را که در جنگ ناقص شده زندگیش را تأمین کند ، اینها نباید کار کنند بدون کار کردن باید تأمین کند اما متأسفانه دولت جنایتکار جمهوری اسلامی ایران از همین افراد بعنوان ابزار دست برای تحقق آرمانهای ضد انسانیست استفاده میکند و با پرداخت حقوق بیشتر از افراد

دیگر در یک بخشی برای کنترل و یا تحت کنترل نگهداشتن کارگران دیگر از این نوع شیوه‌ها استفاده میکند. و این اقدامات هزاران هزار مشکل برای کارگران بوجود آورده و هر روز دارد بیشتر میکند فقط از نا آگاهی افراد به قانون و قانون شکنی مسئولین کشور است. چون در همه جای قانون بخصوص در آن قانون اساسی بخش حقوق ملت‌ها، تأکید شده در بند بند اصول قانون اساسی قید کرده که مسئولین و مجریان موظفند و مکلفند در رفع مشکلات افراد جامعه بکوشند اما امروزه شاهد این هستیم که این افراد صد در صد مخالف با این اصول قانون اساسی برخورد میکنند ابتدائی ترین جایی که شکل‌گیری یک انسان یک جمعه است یک حرکت است یک تولید است یک کار است یک اجتماع است تا بالاترین سطح مثلماً بخواهی بری در یک مدرسه بخواهی کودک را ثبت نام کنی از شما پول دریافت میکنند در صورتی که قانون اساسی تأکید میکند که تحصیل را در ایران رایگان اعلام کرده و وقتی معترض می‌شوی مدیر مدرسه اعلام میکند، منم کاره‌ای نیستم، دستور را شما بالاتر از قانون میدانی وقتی میگه اگر دستور را بالا تر از قانون ندانم بیکار میشم این‌ها یک بخشی است که ما این وظیفه مان به دستور عمل کردن است. اینها همه و همه نشان از یک بی قانونی است که مروجش تنها و تنها حاکمین جمهوری اسلامی ایران هستند را نشان میده و برای از بین بردن این نا بسامانی های فراوان در ایران باید سخت بکوشیم و مردم را در ایران آگاه کنیم و این شهامت را وقتی با قانون آشنائی پیدا کنند میتوانند حق خود را از چنگال هر ستمگری بیرون بیاورند و این اجازه را ندارند که هر روز بهشون ظلم بشه و از بخشی حقوقشان کاسته بشه همانگونه که میبینیم امروزه در ایران آمار های سر به فلک کشیده در مورد طلاق در مورد کودکان کار و خیابان در مورد دختران فراری پایین آمدن سن اعتیاد بالا رفتن در صد بیکاری بالا رفتن تساعدی در صد تورم، جا نگاه تر از اینکه دولت خودش اعلام %9 زیاد میکند این واقعاً عمق فاجعه را در ایران بیان میکند که تمام %7 از 60..6 میکند که یکدفعه نرخ بهره بانکی را این فجایع صرفاً و صرفاً بخاطر قانون شکنی مسئولین اجرائی کشور است که وظیفه شان نه قانون شکنی که طبق قانون عمل کردن است میگن... خشت اول چون نهد معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج در بدو شروع یک نا بسامانی اجتماعی اگر این افراد قانون شکن نبودند و آشنائی به اجرای قانون داشتند با یک پدیده نا هنجار اجتماعی در بدو شکل‌گیری برخورد درست بکنند این پدیده قطعاً پیدا نمیشد و امروزه شاهد پیدا شدن پدیده‌های نا هنجار اجتماعی هستیم و من نمیدانم که چقدر دیگر وقت دارم که جمع‌بندی کنم اگر دوستان وقت را به من اعلام کنند بیشتر می‌خواهم برگردم به همون بخش اصلی که در سندیکا اتفاق افتاد و مسائلی که پیش آمد چون بعد از این دستگیری ها که ماه و خرده ای هر روز مشکل داشتیم با 5 وجود آمد بیکار شدیم و سر کار برگشتیم من پنج ماه و خرده ای کار کردم در این مسئولین هم اون منطقه شرکت واحد واقع با یک مدیری من یک جلسه‌ای گذاشته بودم من رو یک روز صبح خواستند دفترش و هفت هشتا مدیر و مسئول جمع شدند و وقتی که با من صحبت میکردن و من میگفتم ماشین غیر استاندارد نباید به ما بدین اونجا ساعت ده و نیم صبح بود من گفتم این آقایونی که تشریف آوردن اینجا همتون صبحانه خوردین و اومدین اینجا من صبحانه فقط به ما یک شیر و کیک میدادن هر روز صبح گفتم شما مرا دفتر دعوت کردید و تعرفه به من ندادین علیرقم آنکه قانون بود در شرکت و هر کارگری که دعوت میشد شیر و کیک مرا هم ندادید و این قانون شکنی است و در آن منطقه که من کار میکردم مسئولش آقای اکبر پور گفت آقا هر روز که خواستی بیا دفتر من بهترین صبحانه را به شما میدهم. گفتم آقا ببخشید این خودش نشاندهنده بی قانونی شماست من میام قوانین را اجرا کنیم نه مثلاً بخاطر شخص خودم این به هر حال می‌شود. اینکه شما اینجا نفر دارید و باید این کار را میکرد و نکرد منظور اینکه به قانون توجهی ندارند و نمیدانند چی هست چرا چون گزینش ها همینجوری خود سرانه بوده بعد از این همه بیکاری و زندان به هر حال من دوستانم با مشکلاتی روبرو بودند، مشکلات بیکاری، مشکلات معیشتی خانواده اما ما همچنان به هدفی که داشتیم، هدف تشکیل یک تشکیلات مستقل کارگری بود پا فشاری میکردیم و حرکت میکردیم که امروزه هم دوستان من ادامه میدهند این راه را و در این راستا به کرات گفته شد که دولت جمهوری اسلامی ایران به هیچ و شخص و گروهی اجازه تشکیل گروه را نمیدهد، وقتی که سؤال میکردیم از باز جوها، باز پرس دادگاه که آقا منع قانونی این کجا است که شما میفرمائید که این اجازه را ندارید گفتن که منع قانونی آینه که ما داریم میگیم گفتن یک بازجو یا یک باز پرس یا یک قاضی که قانون نیست یک قانونی هست و باید طبق قانون برخورد کنید حق تعیین قانون با قانون گذار است شما که حق تعیین قانون ندارید. میگفت آقا این حرفها که شما داری میزنی مال کشور فرانسه است نه ایران. گفتیم ببخشید مگه حرف قانون فرانسه را میشه در ایران زد ما داریم حرف قانون با شما میزنیم این چه ربطی به این حرف دارد که شما دارید می‌زنید، بدترین شکل برخوردی که مسئولین با ما داشتند همیشه فرا فکنی بوده همیشه غیر قانونی صحبت کردن بوده و غیر مرتبط صحبت کردن و وقتی راجع به یک موضوع خاصی با یک فردی صحبت میکنی بلافاصله بحث روی یک زمینه دیگری میشینه و به

یک راه دیگری هدایت می‌کند وقتی اعلام می‌کنیم که آقا شما چه زبانی از اجرای قانون میبینید می‌گن نه ما خیلی خوشحالیم که قانون می‌خواهد اجرا بشه اما در واقع اجرای قانون ضررش اینجا به آینه که اگر طبق قانون رفتار بشه هیچکدوم از این افراد نمیتوانند در جایگاهی که امروزه قرار دارند قرار داشته باشند و من باز خواهش از تمامی فعالان جامعه کارگری آینه که قانون رو در بین کارگرها ترویج بدیم و تشویق کنیم که قانون رو آگاه بشن باهوش و پیگیری قانونی گروه خودشان را انجام بدهند. و در این پیگیری هائی که ما انجام دادیم در طول این پنج سال و اندی در شرکت واحد، درسته که شرکت واحد اون شکل اصلی را که داشته، خیلی از آن قالب اصلی اش به هم ریخته..... اما مزایای نه چندان زیادی را هم به هر حال برایشان داشتیم من نمیگم چیز زیادی اما به هر حال، دودست لباس در سال و این شیر و کیک این‌ها همه طبق قانون بوده که گرفتیم این‌ها دل بخواه نبوده توی قوانین نوشته شده بوده، پیگیری کردیم و گرفتیم. در بخش مهمتری که من می‌خواهم وارد بشم، این وزارت کار جمهوری اسلامی ایران وقتی قانون مشخصاً اعلام کرده که مشکلات کارگری در این بخش از دولت باید حل بشه اینقدر بی قانونی وجود دارد که واقعاً اگر من حالا یک نمونه‌اش را بگم پی خواهید برد من یک نامه‌ای را در همان اعتصابات که بیکار شدم یک نامه‌ای را از یک فردی گرفتم و بردم دبیر خانه وزارت کار ثبت کردم. که الان پیشم هست و خدمتان ارسال میکنم نامه در دبیرخانه وزارت کار گم شد و هرچه رفتم و گفتم آقا نامه ای که ثبت شده گم باید بشه حالا گفتن آقا شده ما چکار میتوانیم بکنیم، نامه نیست ما میگردیم اینجا نیست حالا شما ببینید که دولت چقدر قانون شکنی میکنه نامه‌ای را که دبیر خانه یک وزارت خانه‌ای خودش ثبت کرده نامه ثبتی شماره ثبتی داره دست من این نامه گم شد و شاید اونروز این مأمور، من که میدانم مأمورین وزارت اطلاعات آمده‌اند نامه را برده‌اند اونروز که نامه را میبردند فکر نمی‌کردند یک روزی این شماره نامه در اخبار جهان پخش خواهد شد اگر این باز عدم آشنائی افراد به قانونه قانون شکنی. مقرضی. که با سند دارند نامه ثبت شده خودشان را میبرند و جواب نمیدن این‌ها قانون شکنی هائی است که جمهوری اسلامی میکند همانطور که شما و تمام شنوندگان این برنامه مستحضر هستید قانون شکنی در جمهوری اسلامی ایران حد و مرز ندارد اینقدر زیاد و اینقدر زیاد است که هرچقدر از قانون شکنی مسئولین جمهوری اسلامی ایران بگیریم باز هم خیلی کم است و این قانون شکنی همانطور که عرض کردم باعث فشار روی اقشار جامعه که کارگران شامل بیشترین فشار رو تشکیل میدن و من به شخصه خیلی نگران هم طبقاتی های خودم هستم که با این بی قانونی ها هر روز دست و پنجه نرم میکنند و هر روزه قربانی این بی قانونی اقتدار گرایان جمهوری اسلامی ایران می‌شوند و واقعاً خیلی متأسفم برای همه دوستان و همکارانم که با این بی قانونی ها کنار میان این مرام واقعاً یک مایه تأسف دارد که چرا با این همه بی قانونی مبارزه و مقابله نمیکنند و به راحتی میپذیرند این بی قانونی را بی‌باید این بی قانونی ها برای رفاه خودمان، فرزندانمان، کشورمان مبارزه کنیم بیا نید دست بدست هم داده..... بگیریم تا ما هم روزی در جامعه خودمان رفاهی ببینیم فرزندانمون ببینند همانگونه که نیاکان ما به فکر ما، من فکر میکنم نبودن و اون زمان از تشکیلات مستقل قانونی کارگری نتوانستند پاسداری و نگهداری کنند که امروزه ما کارگران کشور ایران با وجود دولت قانون شکن جمهوری اسلامی ایران بارهای گراف هر گونه اختلاصی را باید کارگران بپردازند بار سنگین هر گونه نابسامانی اقتصادی را کارگران باید بکشند..... قانون شکنی. مسئولین جمهوری اسلامی را باید کارگران جامعه بکشند این وضعیت، وضعیت چنان خوش آیندی به نظر من نیست و از تمام هم طبقاتی هایم این خواهش را دارم که با بالا بردن آگاهی خود با جمهوری اسلامی ایران مبارزه کنند و برای احقاق حقوق حقه خودشان کمترین حد این است که اعتراض کنند و بگویند این اقدامی که انجام میدید اقدامی است غیر قانونی و غیر قانونی بودن را در ایران باید از بین برد اگر امروز نشود شاید ده سال دیگه شاید بیست سال دیگر زمان مشخص نمیشه نمیشود زمانی مشخص کرد اما باید حرکت کرد باید خواست، خواستن توانستن است وقتی که بخواهیم قطع میتوانیم انجام بدیم پس بیا نید که بخواهیم و. انجام دهیم من اگر اجازه بدهید پایان صحبت‌ها یم را اعلام کنم اگر سئوال خاصی دوستان داشته باشند در خدمتم به دلیل اینکه این اولین گفتگوی پالتا کی من بود و به علت پایین بودن سواد کلاسیک و کم بودن فعالیت کارگری ام شاید گفته‌ام در یک قالب یک جمع بندی نبوده و بسته گریخته باشه و پراکنده باشه و از تمامی افرادی که این صحبت من را شنیدند و گوش دادند تشکر میکنم و از شون عذر خواهی میکنم.

با بت خیلی اصولی نبودن عرایض ام.

معرفی کوناهای از آقای غلامحسینی

آقای غلامرضا غلامحسینی متولد سال 1345 هستند، در سال 1383 به صورت قراردادی به استخدام شرکت واحد درآمد در سال 1384 عضو سندیکا شدند. پس از اعتصاب سال 1384 از کار اخراج شدند، با پیگیری مستمر و همکاری سایر دوستان، پس از 4 سال به سر کار برگشتند، در طول آن 4 سال بیکاری، بارها توسط پلیس امنیتی بازداشت شده و سه بار به زندان افتادند که در نهایت مجبور به ترک کشور شدند و اکنون در ترکیه پناهنده سازمان ملل هستند.

آقای غلامحسینی در این مدت اسناد مهمی از دادگاه ها و احکام اخراج خود در اختیار ما گذاشتند که این اسناد توسط کمیسیون حقوقی نهادها بررسی و تنظیم شده و 3 سری از آنها تا کنون انتشار یافته و 2 سری دیگر نیز در دست تهیه هستند که به زودی منتشر خواهند شد، بحث امشب ایشان نیز پیرامون همین اسناد می باشد. در نهایت ما مجموعه این اسناد را در یک بولتن خبری هم منتشر خواهیم کرد. در همین جا ضمن تشکر فراوان از همکاری آقای غلامحسینی که این اسناد را در اختیار ما گذاشتند، از همگان بخصوص فعالین کارگری دعوت و درخواست می کنیم چنانچه از این قبیل اسنادی در اختیار دارند و یا می توانند تهیه کنند، برای ما ارسال نمایند تا بر اساس آنها بتوانیم ماهیت جمهوری اسلامی و قوانین ضد کارگرایش را به طور مستند و با مدرک افشا و تبلیغ کنیم.



کلیپ نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

درباره سندیکای کارگران شرکت واحد

<http://www.youtube.com/watch?v=0Qkr8RAqEQ8&list=UUxwF0VWw5pJ3WUbkLJhO0SA&index=24&feature=plcp>

اسنادی در افشای کارگر ستیزی اسلامی

<http://www.youtube.com/watch?v=IA9seLATJ0&list=UUxwF0VWw5pJ3WUbkLJhO0SA&index=9&feature=plcp>

رضا شهابی فعال کارگرمبارزه و با روحیه سندیکا شرکت واحد، به زبان انگلیسی

<http://www.youtube.com/watch?v=HlzAriznZ58&list=UUxwF0VWw5pJ3WUbkLJhO0SA&index=4&feature=plcp>

درباره رضا شهابی به زبان فارسی

http://www.youtube.com/watch?v=_oV3oDZ_AhE&list=UUxwF0VWw5pJ3WUbkLJhO0SA&index=23&feature=plcp

برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!

از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

18 - کودکان کار و خیابان

گزارش از کودکان کار در ایران، جلیل شریفیان

۸ جنبش لغو کار کودک، تاریخچه، تبیین ها و چالش ها

سوسن بهار: سردبیر نشریه "داروک" و مدیر "انجمن الغا کار کودک"

۸ کودکان خیابان، سبک زندگی و تجربه زیسته

محمد غزنویان: فعال مسائل کودکان کار

۸ بازتولید کار کودک، کار کودک در نظام سرمایه داری

تیكا كلاکی: از دست اندرکاران مسائل کودکان کار

Paltalk Otage: Iran - Tajarobe Kargari Category: Asia, ... Subcategory: Iran

8 نوامبر 2012 ساعت 19.00 بوقت اروپای مرکزی، 18 آبان 1391 ساعت 21.30 بوقت ایران

نهادهای همبستگی به برگزاری یک سلسله جلسات عمومی با فعالین کارگری و یا عضو تشکلهای و نهادهای کارگری، برای انتقال تجربه و بحث حول مسائل مهم سیاسی جنبش کارگری و ... برای کمک به ایجاد تشکلهای در دوره حاضر میپردازد. این جلسات هر بار با شرکت یک و یا چند تن برگزار خواهد شد.

گزارش و سخنرانی جلیل شریفیان

کودکان کار مظلومان واقعی دنیای سرمایه داری

در کوره پزخانه ها

هر سال با فرارسیدن فصل بهار و نوشدن زندگانی طبیعت هزاران خانواده ایرانی برای پیدا کردن کار و بدست آوردن لقمه نانی، خود و خانواده شان، مخصوصاً کودکان معصوم را آماده استثماری کنند و راهی کوره پزخانه ها در شهرهای بزرگ ایران می شوند. این کارگران به واقعیت بردگان گمنامی هستند که تا حد جان سپردن استثمار می شوند. هیجده ساعت کار کردن در روز آن هم کار واقعاً سخت و طاقت فرسای خشت زنی که کارگر باید با تمام وجودش کار کند و تولید کند تا سود بیشتری نصیب سرمایه داران شود در طول کار هیچ خبری از استراحت نیست هر چقدر بیشتر خود را خسته کند و عرق بریزد به اصطلاح پول بیشتری در می آورد اما در واقع سود بیشتری جیب کارفرما سرازیر می شود در کوره پزخانه ها هیچ اثری حتی از بهداشت فرمایشی وجود ندارد. در یک ردیف لانه های بی

قواره و همسانی ساخته می شود و به هر خانواده دو منزل داده می شود یکی منزل خواب و استراحت و دیگری اتاق پخت و پز و حمام و شستشو می باشد اتاقها غیر قابل نشیمن هستند تعجب اینجاست، نظام سرمایه داری که خواستار برابری بین انسان ها نیست ولی در ساختن منزل و حذف رفاه و بهداشت به حق برابری واقعی را رعایت کرده است چون همه ی اتاق ها در یک ردیف مساوی ساخته می شود با یک در و یک پنجره ی (30 در 40) سانتی متر. مساحت هر اتاق 12 متر می باشد افراد هر خانواده هر چقدر که زیاد باشند برای کار فرما اصلاً مهم نیست ولی هنگام تقسیم میدان کار به تعداد نفرات و سن و سال آنها بسیار اهمیت می دهند چون اگر سن و سال داشته باشند و تشخیص دهند که آنها آماده استنثار کامل هستند میدان کار بزرگی به خانواده داده می شود و اگر افراد خانواده سنشان کم باشد میدان کار کوچکی به آنها می دهند و اتاقهای نشیمن در هر دو حالت یکی می باشد.

چون بحث ما لزوماً در مورد کار کودکان در کوره پزخانه می باشد، لذا لازم می دانم که بیشتر در این مورد تأکید کنم کودکان پاک و معصوم و بیگانه‌ای که از لذت زندگی محروم می باشند، در کوره پزخانه بیشتر هر جای دیگری استنثار می شوند چون این کودکان باید دوش به دوش بزرگسالان کار کنند، همراه آنان بیدار شوند و عرق بریزند هر کس که وجدان انسانی در وجودش زنده باشد اگر به کوره پزخانه سر بزند می بیند که استنثار کودکان در آنجا چقدر غیر انسانی و غیر قابل وصف می باشد هر چقدر که بگویی و بنویسی باز هم قطره ای از دریای استنثار کودکان گفته نشده. نوشته هایی که در مورد کار کودکان در کوره پزخانه ها می بینید از لابلای هیچ کتابی بیرون کشیده نشده، هیچ نویسنده ای ننشسته که ساعتی فکر کند و طبق میل خود و یا آرزوی خود را بیان نماید همه اینها واقعیاتی هستند که هر ساله هزاران کودک معصوم و بیگانه، از پایین ترین قشر جامعه ایران تحت حاکمیت نظام سرمایه داری با آن دست و پنجه نرم میکنند، واقعیتی است غیر قابل باور که قلب هر انسان نوع دوستی را بدر می آورد و هر سیستمی را به زیر سؤال می برد، که هیچوقت ننتها به این رفتار خود پسخگو نیستند، بلکه حتی مطرح هم نمی شود که به آن جواب داده شود. کودکان در کوره پزخانه آن گلهای زیبا و شبنم نشسته صبحگاهی نیستند که با نسیم بیدار شوند و تا زمان بیدار شدنشان، پدران و مادرانشان با قربان صدقه رفتن بگویند که گل من بیدار شو، عشق و امید من بیدار شو چون، والدین از فرط خستگی نفس، عشق و امیدشان را از دست داده اند و دیگر احساسی ندارند که تقدیم به جگر گوشه خود کنند. کار کوره پزخانه، برای بزرگسالان مرگ تدریجی است برای کودکان که جای خود دارد.

کار کودکان: کودکان که به میدان کار می روند مسئولیتهایی به آنها داده می شود که بتوانند با زحمت فراوان هم که شده آن کارها را انجام دهند به آنها بجای قلم و خودکار و کاغذ، بیل و فرغون و سرنده می دهند و می گویند برو ماسه بیاور کودک باید کار را انجام دهد باید ماسه را سرنده کند و فرغون را پراز ماسه کند و با دستان ظریف و بی طاقتش فرغون را به جلو هل دهد تا به مقصد برسد کودک در طول مسیر خسته می شود و می بایست چندین بار توقف کن و رفع خستگی نماید. با پاهای برهنه و سرو صورتی خاک آلود تشنه می شود و با همان حالت آب می خورد و دستان خاک آلود و چرکینس را بر چشمان اشک آلودش می کشد. یا آنها را مسئول فنر زدن می کنند طرز زدن فنر بدین شکل است که خشتهای زده شده پس از دو روز که خشک شدند آماده فنر زدن می شوند، کودک باید ابتدا بنشیند و زیر فنر را بطول هشت متر آماده کند فنر معمولاً 1000 خشت را در بر می گیرد که 200 خشت اول نشسته صورت میپذیرد ولی 800 خشت دیگر بصورت بشین پاشو انجام می گیرد که باید کودک با این

هوای گرم و ناسازگار برای زدن هشتصد خشت 400 بار بنشیند و بلند شود، در اکثر موارد پیش میاد که کودک نمی تواند هر بار دو خشت را بردارد، آنوقت می بایست کودک هشتصد بار بلند شود و بنشیند، که از طاقت هر انسانی بدور است. غذا خوردن کودکان: کودکان در کوره به لحاظ شرایط سخت کاری و نبودن غذای کافی سوء تغذیه می گیرند چون غذایی که می خورند معمولاً ارزش غذایی چندانی ندارد صبحانه پنیر و چایی، نهار گوجه فرنگی و شام نیز به همان صورت و گاهی وقتها سیب زمینی پخته و آب پز و اگر ممکن باشد هفته ای یکبار گوشت. اکثر کودکان با دستهای نشسته غذا می خورند والدین بدلیل اینکه خود بسیار خسته و گرسنه هستند هوای بچه ها را ندارند و بچه ها با دستهای آلوده به میکروب، کثیف و مگس نشسته غذا صرف می کنند کودکان در این بین زودتر از دیگران مریض می شوند هر ساله شاهد مرگ صدها کودک هستیم که بدلیل رعایت نکردن بهداشت و گرما زدگی جان خود را از دست می دهند و قربانی مناسبات سرمایه داری می شوند با مکیدن خون این گلهای زندگی، کارفرمایان و صاحب کوره ها آپاتمانهای آنچنانی برای خود میسازند و به سفرهای جهانی می روند و در عین حال به خود افتخار می کنند که برای مردم اشتغال ایجاد کرده اند و کارگران و کودکان از دست آنها غذا می خورند. ستراحت و خواب کودکان: استراحت کودکان، همان کار و درآمد است چون اکثراً از سر بی حوصلگی می خواهند کار کنند ولی همین بازی کودکانه استراحت را از آنها می رباید. خواب آنها بمراتب سخت تر و مشکل تر است. اتاقها معمولاً کوچک هستند شبهای تابستان بسیار گرم هستند و بدلیل تجمع خانواده در یک اتاق گرمتر می شوند پوست لطیف کودکان شبها پذیرای پشه ها و حشرات می باشند طوری که هر شب پوست نازک کودکان منبع خوراک آنها میشوند گویا این گلهای نازنین موظفند که در طول روز خون خود را به سرمایه داران اهداء کنند و شبها به پشه ها و حشرات، چون آنها باید روش والدین خود را برگزینند. موقعی که بدن ظرفیشان بوسیله حشرات گزیده می شود خارش پیدا می کند و برای رفع خارش همه جای بدن خود را خونی می کنند. نظافت و استحمام کودکان: نظافت کودکان در کوره ها زیر صفر است هفته ای یکبار استحمام می شوند آن هم بصورت سطحی، لباسهای کهنه آنها را هفته ای یکبار می شورند و پس از خشک شدن درجا از آن استفاده می شود. حمام شامل انبار آبی می شود که زیرش چراغ نفتی می سوزد که گاهی وقتها بعلت تمام شدن، آب گرم به همه نمی رسد. زندگی کودکان در کوره ها عجین شده با باد و ماسه و گرد و خاک و عرق ریختن و بی خوابی و از حال رفتن و گرما زدگی و نهایتاً مرگ، بجای همبازی شدن با هم سن سالان خود همبازی مگسها و پشه ها می شوند چون با آنها انس گرفته اند، چون از فرط خستگی و بی حوصلگی توانایی بیرون کردن مگس از صورت خود را ندارند.

صحبت رفقای دیگر امیدواریم بر ایمان ارسال شده تا در شماره های بعدی بولتن اخبار کارگری برای در دست گرفتن علاقمندان بیشتری منتشر شود.

کلیپ نهادهای همبستگی در مورد کودکان کار و خیابان

<http://www.youtube.com/watch?v=lmbud8JXJwk&list=UUxwF0VWw5pJ3WUbkLJhO0SA&index=11&feature=plcp>

پیام نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

به کارگران اعتصابی معادن در آفریقای جنوبی

رفقای گرامی سلام

رفقا، ما در خواست شما مبنی بر تقاضای کمک و همبستگی بین المللی را خواندیم و جواب مثبت به آنرا در مسئولیت و یکی از وظایف اساسی خود می دانیم. ما از چند ماه قبل در جریان اعتصابات و مبارزات حق طلبانه شما قرار داشته و در این رابطه برای آشنائی بیشتر همطبقه ای هایمان در ایران یک بیانیه انتشار داده و یک ویدئوکلیپ در یوتوب قرار داده ایم. ما ندای حق طلبی تان و صدای غرش مسلسل های پلیس که بر روی شما آتش گشود را، از طریق فیلمها و ویدئوکلیپ ها دیدیم و شنیدیم و قلبمان در هم فشرده شد. ما می دانیم که شما با چه از جان گذشتگی و قهرمانی که از طبقه کارگر بر می آید، با غول های سرمایه امپریالیستی، شرکت های بزرگ چند ملیتی و دولتی امپریالیستی فریب کار، که وجودش را مدیون کار و جانفشانی شما است در افتاده اید. شما اینرا میدانید که فقر و نداری، محروم شدن از یک مسکن مناسب و داشتن یک زندگی مرفه، نه طبیعی است و نه بوسیله نیروئی مافوق طبیعی بر شما تحمیل شده است، بلکه ناشی از سیستم سود و مالکیت خصوصی است که امروز نه تنها شما را اسیر نموده است، بلکه میلیاردها انسان تولید کننده و زحمتکش را در سراسر جهان زیر سلطه استعمارگران خویشتن گرفته و بهره کشی میکند. از متن پیام تان پیدا است که شما نیز از داشتن تشکل توده ای طبقاتی خودتان محرومید و اتحادیه ای دارید که با خیانتت به جای حمایت از شما و سازمان دادن مبارزه تان برای رسیدن به حقوق مکفی برای یک زندگی مرفح و انسانی، با سرمایه داران همراه شده است و سران آن عضو حزب دولتی ای هستند که به فرمان سرمایه داران و صاحبان غاصب معادن طلای زرد و سفید برای قتل عام شما نیروی سازمان یافته سرکوبگر می فرستند.

رفقای گرامی

ما خود را مؤظف می دانیم که با اعلام همبستگی با شما و یاری رسانی به شما، به وظیفه و مسئولیت کارگریمان عمل نمائیم. ما کوشش می کنیم که از طرق مختلف مانند دادن بیانیه، رساندن صدای شما به همطبقه هایمان در ایران، نوشتن نامه های اعتراضی و شرکت در مبارزاتی که در محل زندگی مان به پشتیبانی از اعتصاب و مبارزه شما انجام می گیرد، این وظیفه را انجام دهیم. همزمان در روزهای آینده، هدیه کوچکی به حساب شما واریز خواهیم کرد. پیش بسوی یک مبارزه متحد و همبسته بر علیه سرمایه و دولت های سرمایه داری در همه اشکال آن، مبارزه شما را مبارزه خویشتن دانسته و پیروزی شما، پیروزی ما است. دست شما را از راه دور می فشاریم.

اکتبر 2012

به ضمیمه متنی را تقدیم می کنیم که حاوی نقطه نظرات و مواضع ما پیرامون مبارزات به حق شما و اشتراکات آن با مبارزات طبقه کارگر در ایران است

ضمیمه

رفقای گرامی

اما، مبارزه خونین شما، گرچه تا کنون منجر به جان فشان شدن بیش از 50 نفر از رفقا و همکاران شما شده است، گرچه زخمی و زندانی و شکنجه شده اید، گرچه خانواده های محترمتان نیز تا کنون مجبور به تحمل خفت و نداری، نکبت و فلاکت شده و گاز خفه کننده و اشک آور تنفس کرده و باتوم خورده اند، ولی چند مسئله را روشن کرده است: اول اینکه، دولت را بعنوان دستگاه سرکوب طبقه حاکمه بر علیه طبقه محکوم را در انظار عموم مطرح کرده و پرده دو روئی را درید و نشان داد که دولت بورژوازی ممکن است که اشکال متفاوتی داشته باشد و اما مدافع منافع سرمایه است و هر جا که این منافع یعنی سود ناشی شده از ارزش اضافی کارگر و بویژه مبنای آن یعنی مالکیت خصوصی بر ابزار تولید به خطر افتد، وظیفه اصلی اش یعنی سرکوب را انجام می دهد، در این شرایط فرق نمی کند که سران دولت سفید

پوست یا سیاه پوست، یا مدرن و دموکرات و یا دیکتاتور و ارتجاعی و مذهبی باشند. دوم اینکه، شما را به نیروی طبقاتی تان بیشتر از پیش باورمند نموده است. سوم اینکه در اینجا نیز اثبات شد که طبقه کارگر برای رهایی خود نمی تواند اساس ان به جز نیروی طبقاتی خویش به نیروی طبقات دیگر اجتماعی متکی باشد، خود رهایی کارگر در درک این مسئله بوده است. آری، طبقه کارگر ضمن تکیه اساسی به نیروی خویش برای رهایی و حتا رسیدن به خواست های روزمره ضروری است که خود را بعنوان نیروی رهایی بخش به رهبر و نماینده تمام نیروهای مترقی و خواهان تغییر بنیادی در جامعه تبدیل نموده و قادر گردد از نیروی این اقشار استفاده نماید. چهارم اینکه نشان داد که برای پیشبرد مبارزه طبقاتی نیاز به سازمانیابی و تشکل های توده ای طبقاتی، متکی به نیروی کارگران و مستقل از عوامل دولت و کارفرما است.

رفقای گرامی

مبارزه طبقه کارگر در سراسر جهان بدین دلیل که طبقه سرمایه دار بعنوان دشمن اصلی، یک طبقه جهانی است، دارای نکات و پایه های مشترک و عمیق ان یکسانی است. و اما، در این رابطه مبارزه طبقه کارگر در ایران و طبقه کارگر در آفریقای جنوبی از چند نکته بنیادی مشترک ویژه بر خوددار است که در این جا به دو نکته اشاره می کنیم:

1- در دهه های 1960 و 1970 شما کارگران در آفریقای جنوبی بر علیه یک رژیم نژاد پرست سرمایه داری دست به چندین اعتصاب زدید که مورد یورش قرار گرفتید و قتل عام شدید و اما در نهایت آن رژیم را زانو در آوردید. درست در همان زمان کارگران در ایران نیز با یک رژیم دیکتاتور درگیر بودند که در سال 1970 که کارگران یک کارخانه دست به اعتصاب زدند و بوسیله نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به رگیار بسته شدند و صد ها نفر به قتل رسیده و زخمی گردیدند و در سال 1979 با اعتصاب بزرگ کارگران ایران، بویژه کارگران شاغل در صنایع نفت که شیرهای نفت را بر روی صدور نفت خام به رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی، اسرائیل و.. بستند، رژیم سرمایه داری و دیکتاتور منش را به زانو در آوردند و با مبارزه توده های به جان آمده به عمر نظام شاهنشاهی سرمایه داری نوکر سرمایه امپریالیستی جهانی پایان دادند.

2- به دلیل محرومیت کارگران در ایران از تشکلات توده ای طبقاتی و صنفی و سیاسی، شکل دولت تغییر کرد و رژیمی ددمنش تر از رژیم قبلی سرمایه داری سر کار آمد. این رژیم تا کنون دهها هزار انسان کارگر آگاه، سوسیالیست را اعدام کرده است. در سال 2002 به یک اعتصاب و تحصن کارگران معدن مس از زمین و آسمان یورش برد و آنها را قتل عام نمود که اسامی 5 کارگر و 1 دانش آموز اعلام شد. مبارزات شما در سال 1994 منجر به روی کار آمدن دوکت کنونی گردید. دولت جدید آفریقای جنوبی، با تحمیل فقر و بیکاری بر شما و یورش به اعتصاب شما در 16 آگوست 2012 و به قتل رساندن 34 نفر و زخمی نمودن 76 نفر دیگر درست همان جنایت را آفرید که رژیم جدید در ایران آفریده بود.

ما فعالان نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران بر این مسئله وقوف کامل داریم که دشمن مان مشترک است، بدین دلیل مبارزه مان مشترک است. ما این گفته کارل مارکس که در سال 1864 و در هنگام تأسیس انترناسیونال اول بیان داشت «طبقه کارگر برای پیروزی در مبارزه خود نیازمند به داشتن یک حزب کارگری نه تنها در سطح کشور، بلکه بین المللی می باشد»، را سرمشق خود می دانیم.

<http://www.youtube.com/watch?v=pgVuqfkionw&feature=BFa&list=UUxwF0VWw5pJ3WUbkLhO0SA>

پیام نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج از کشور

در همبستگی با طبقه کارگران اروپا در اعتراض به

سیاست های ریاضت اقتصادی کشورهای سرمایه داری

رفقای کارگر

امروز بیش از گذشته طبقه کارگر در کشورهایمانند یونان، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، آلمان، فرانسه و برخی دیگر از کشورهای اتحادیه اروپا با بحران همه جانبه ای روبرو است.

درچنین شرایطی اعلام اعتصاب عمومی شما درسراسراروپا ودرسطح " اتحادیه اروپایی کارگران " و فراهخوان آنان برای تاریخ ۱۴ نوامبر ادریافت کردیم. همزمانی اعتراضات شما با اعلام اعتصاب هم طبقه ای هایمان درمعدن آفریقای جنوبی، مبارزه با دولت ها و سرمایه داری هاروعنان گسیخته را برسربازپس گیری دستاوردهایی که طی چندین دهه مبارزه به دست آورده اید و امروز پیشروی چرخه سرمایه مانع از حفظ آن دستاوردهاست، ما را بدان وا می دارد که با تمام نیرو درکنار شما وصدای اعتراض شما ها باشیم.

رفقای گرامی

اعلام اعتصاب عمومی شما بر علیه بیکاری سازی در زمانی است که هم اکنون بیش از ۵۰ میلیون کارگردرکشورهای اتحادیه اروپا بیکار شده وخطر بیکاری همچنان کارگران شاغل راتهدید می کند. هرچقدر بر ارتش بیکاران افزوده می شود از نیروی مقاومت و مبارزاتی کارگران کاسته شده و نیروی سرمایه را افزایش می دهد. باید بتوان بر این وضعیت فائق آمد و راه را بر پیشروی سرمایه و تعرض به زندگی کارگران بست!

فراهخوان ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲، می باید تجلی اراده طبقه ای بشمار آید که با دست زدن به اشکال گوناگون از اعتصابات عمومی گرفته تا تظاهرات، میتینگ و هر سطح از اعتراض فراقانونی، نارضایتی خود را علیه اجرای طرح های ریاضت اقتصادی در کل اروپا، و بویژه در کشورهای اروپای جنوبی که بحران همه جانبه ای را به دنبال داشته و در کشورهای همچون یونان و پرتغال به فاجعه ای اجتماعی تبدیل شده است، به نمایش بگذارند.

بر همگان مشخص است که سرمایه بحران زده در سطح جهانی و در سیاست ارزی دلار، پوند و یورو خاصه در اروپا که خود را در مرز ویرانی و ورشکستگی بیان می کند، بمانند همیشه در نظر دارد که مخارج خروج از بحران را با اجرای برنامه های ریاضت اقتصادی و بیکاری سازی های توده ای و حتی با به راه انداختن جنگ های منطقه ای و غیره برگردده طبقه کارگرتحمیل کند. طبقه کارگر تنها با به میدان آمدن و تعرض خویش می تواند نقش و موقعیت تاریخی خود را ایفاء کند. درچنین شرایطی طبقه کارگرقادر نیست تنها با خواست های دفاعی و تشکلات و سازمانهای دوران عادی مبارزه طبقاتی جلوی یورش سرمایه را سد کند، خواستهایی مانند ۳۰ ساعت کار با حفظ تمام حقوق همراه خواست های سیاسی، هم قادرند توده وسیعی از کارگران را بسیج نمایند و هم بر سرمایه و دولت هایش فشار وارد نمایند.

ما مدافعین طبقه کارگردر سطح نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج کشور با چشم انداز و استراتژی همبستگی طبقاتی بین المللی کارگری، خود را درکنار شما یافته و کوشش خواهیم کرد که با تمام توان اخبار مبارزات شما را به گوش کارگران در ایران و دیگرکشورها رسانده و در هر جایی که هستیم، در تمام کشورهای اروپا در صف مبارزاتی شما، در پیکت ها، تظاهرات و.. درکنار شما باشیم.

ما بر این باوریم که مبارزه ما مشترک است، زیرا که دشمن ما مشترک است. در هر نقطه ای از این کره خاکی سرمایه سالار، پیشروی و پیروزی مبارزه طبقه کارگرتعلق بهم ما است. ما طبقه کارگرنمی توانیم اساسا به جز نیروی طبقه مان بر هیچ دولت سرمایه داری و هیچ جناحی از طبقه حاکمه سرمایه دار، باورد داشته باشیم.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگری

۱۶ آبان ۱۳۹۱ - ۶ نوامبر ۲۰۱۲

کلیپ نهادهای همبستگی در مورد ریاضت اقتصادی و فرآیند مبارزات در اروپا

http://www.youtube.com/watch?v=trDnhsiA_oQ&list=UUxwF0VWw5pJ3WUbkLJh00S&index=1&feature=plcp

در محکومیت دستگیری، شکنجه و کشتار ستار بهشتی و جمیل سُویدی

اخبار فجایع را شنیده ایم، یکی را بیشتر (ستار بهشتی) و دیگری را کمتر (جمیل سُویدی)^(*) هر دو را در فاصله سه روز یکی را در زندان اطلاعات کرج و دیگری را در اهواز به طور فجیعی در زیر شکنجه کشتند. اولی کارگر و وبلاگ نویس و دومی یک کارگر جوشکار بود. اما "جرم" شان مشترک بود: هر دو **کارگر** بودند، آن هم کارگری با "زبان سرخ" که می بایست "سرشان بر باد می رفت"! کارگرانی که ساکت نبودند، اعتراض می کردند، فریاد می زدند، افشاگری می کردند، اطلاع رسانی می کردند، از حق و عدالت و آزادی حرف می زدند و به بی عدالتی، پایمال کردن حقوق خود و همطبقه ای هایشان و سرکوب و خفقان معترض بودند. اما نظام سرمایه و دستگاه های قضایی، امنیتی و پلیسی اش، این همه را بر نمی تابد. لازمه حفظ چنین نظامی، به انقیاد درآوردن همه مردم، مطیع و گوش به فرمان و اداشتن آن ها و خفه کردن هر صدایی - به خصوص صدای کارگران، که آنان را دشمن واقعی و خطرناک در مقابل خود دانسته و به طریق اولی گور کن خویش می داند- به هر شیوه و هر شکلی است تا با ایجاد رعب و وحشت، آن ها و کل جامعه را از هر نوع حرکت و صدایی باز دارد.

ستار و جمیل را به فاصله کوتاهی با همین هدف در زیر شکنجه کشتند

تا از کارگران، بویژه کارگران دربند زهر چشم بگیرند، بگذار تا این بی خبران "قدرت نمایی" کنند و سیطره ننگین و جنایت بار خود را به بهای جان عزیز این کارگران حفظ کنند! اما این اولین بار نبود که با این شیوه و با این هدف، انسان هایی را در مسلخ های شان به خون می نشاندند، ده ها مبارز دیگر در بیش از سه دهه و بویژه ماه های اخیر در زندان های تیریز، اهواز، حمیدیه، دزفول، شوش، بلوچستان، اوین و کهریزک در زیر شکنجه جلاان رژیم جان باختند، در این مدت، اما نه فعالین کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی از مبارزه دست کشیدند و نه رژیم از کشتار. ولی فریادها و اعتراضات می رود که رساتر گردد، چرا که مبارزات کارگران ریشه عمیق داشته و از تضادی واقعی و ساختاری سر چشمه گرفته و لذا مبارزات کارگران بویژه از طرف فعالین آن گسترده تر می شود. در مقابل، جلاان نیز کینه توزتر، وحشی تر و خون خوارتر شدند. و این تقابل همچنان ادامه خواهد داشت تا زمانی که مبارزات گسترده جنبش های اجتماعی و در پیشاپیش آن ها طبقه کارگر به سرنگونی این رژیم ارتجاعی غارتگر، جنایتکار، وحشی و ضد بشری به همراه سرمایه دار منجر شود.

بیانید با رساتر کردن صداهای اعتراضات خود، با انعکاس وسیع اخبار این جنایات، با تشکل و مبارزاتی متحدانه، در نزدیک شدن پایان این نظام ننگین همراه شویم.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

آبان ماه 1391 - نوامبر 2012

(*) - ضمیمه ها

ستار بهشتی، وبلاگ نویس، زیر شکنجه کشته شد

بنا بر گزارش ها ستار بهشتی وبلاگ نویس که در روزهای اخیر توسط "پلیس فنا" بازداشت شده بود، زیر شکنجه ماموران کشته شده است. عموی این وبلاگ نویس می گوید، علت فوت را جويا شدیم ولی به ما گفتند "خفه شوید" و به شما ربطی ندارد.

بنا بر گزارش ها ستار بهشتی "وبلاگ نویس و از فعالان شبکه های اجتماعی"، ۳۵ ساله زیر شکنجه ماموران امنیتی کشته شده است. مادر ستار بهشتی روز سه شنبه ۱۶ آبان به سایت "ساحزبوز" گفته است: «از ما خواسته اند فردا صبح پس از هماهنگی با ماموران به کهریزک مراجعه کنیم و جنازه را تحویل بگیریم». عموی ستار حسینی نیز گفته است: «تا امروز هیچ خبری از وی نداشتیم. تا اینکه امروز دامادمان را احضار کرده اند و به وی می گویند که ستار فوت کرده و به مادر و خواهر وی اطلاع دهید. هنگامی که علت فوت را جويا شدیم به ما گفتند خفه شوید و به شما ربطی ندارد.»

در همین زمینه سایت "بازتاب" نیز در گزارشی با عنوان "درگذشت یک وبلاگ‌نویس حین بازجویی، نگذارید به سرنوشت پرونده کهریزک تبدیل شود" نوشته است، درگذشت تاسف‌بار این جوان که احتمالاً به دلیل قصور یا تقصیر عوامل دخیل در پرونده وی صورت گرفته است، یادآور خاطرات تلخی نظیر مرگ زهرا کاظمی در زندان اوین، مرگ زهرا بنی یعقوب، پزشکی در همدان، مرگ هاله سبحانی و پرونده کهریزک است که تا کنون، هیچ یک به نتیجه قطعی نرسیده است.

آن‌طور که در گزارش سایت بازتاب آمده است: «رسیگی دقیق و علنی به پرونده ستار بهشتی و محاکمه قاصران و مقصران این پرونده، انتظاری است که افکار عمومی از مقامات قضایی، به ویژه دادستان تهران دارند تا بدون اثرپذیری از فشارها، اعتماد مخدوش شده به اقتدار دستگاه قضایی در پرونده های مذکور را ترمیم کند.»

پیش از این "سایت کلمه" از قول شاهدان عینی از زندان اوین گزارش داده بود که وی در بازجویی‌ها به شدت مورد ضرب و شتم و شکنجه قرار گرفته و آثار کبودی و شکنجه بر تن و صورت و سر این زندانی سیاسی مشهود بوده است.

دستگیری ستار بهشتی در منزل

بنا بر این گزارش‌ها ستار بهشتی یکشنبه ۷ آبان (در چند گزارش این تاریخ سه‌شنبه ۹ آبان ذکر شده است) ۲۸ اکتبر، با یورش ماموران امنیتی به منزل پدری‌اش در رباط کریم دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شد. زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین که ستار بهشتی یک شب را در آنجا سپری کرده بود، روایت کرده‌اند که بدن این جوان زیر ضرب و شتم له شده بود و به گفته آن‌ها حتی یک جای سالم در بدنش نبود. بر این اساس ستار بهشتی که در بازجویی‌ها تحت فشار برای اعتراف و پذیرفتن خواست بازجویان پلیس قتا بوده است، پس از مقاومت به صندلی بسته می‌شده و مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفته است.

فاطمه بهشتی خواهر ستار بهشتی نیز گفته است که شوهر او را خواسته‌اند و به او گفته‌اند "برو مادرش را آماده کن، قبر بخر، فردا بیا جنازه را تحویل بگیر". به گفته خواهر ستار بهشتی وقتی ماموران برادرش را برده‌اند، او سالم بوده و حتی قرص سردرد هم نمی‌خورده است. خواهر ستار بهشتی همچنین درباره تهدید خانواده توسط ماموران امنیتی می‌گوید که: «گفته اند با هیچ‌جا مصاحبه نکنید، اگر مصاحبه کنید پدرتان را در می‌آوریم. داداشم کاری نکرده بود، چی کار مگر کرده بود؟ از آن سه‌شنبه که (ستار را) بردند تا الان هیچ خبری ازش نداشتیم که امروز خبرش را برابمان آوردند.»

بنا بر گزارش‌ها تا ظهر روز چهارشنبه ۱۷ آبان (۷ نوامبر) هنوز جنازه این وبلاگ‌نویس توسط پزشکی قانونی کهریزک به خانواده او تحویل داده نشده است.

جمیل سویدی شهروند اهوازی تحت شکنجه کشته شد

جمعه، ۱۹ آبان، ۱۳۹۱

جمیل سویدی (۴۵ ساله)

شهروند عرب اهوازی ساکن در منطقه لشکر آباد تحت شکنجه نیروهای امنیتی کشته شد

به گزارش فعالان حقوق بشری از اهواز جمیل سویدی کارگر یک کارگاه جوشکاری است و حدود یک ماه گذشته به دست نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. هنوز از چگونگی و دلایل بازداشت این شهروند عرب گزارشی در دست نیست. بنا به گزارش‌های رسیده، خانواده جمیل سویدی طی یک ماه گذشته مراجعات مکرر اما بی نتیجه به مراکز امنیتی و انتظامی در اهواز داشته‌اند.

گزارشگران حقوق بشری می‌گویند جنازه جمیل سویدی به شکل کاملاً اتفاقی توسط یکی از آشنایان او در سردخانه پزشکی قانونی دیده شده و به خانواده او اطلاع داده می‌شود. جنازه جمیل سویدی هنوز به خانواده او تحویل داده نشده و پیگیری خانواده او برای کشف دلایل بازداشت، شکنجه و چگونگی مرگ او تا به حال به نتیجه نرسیده است.

پیش از این نیز شش فعال سیاسی عرب اهوازی به نام‌های غیبیان عبیدوی از حمیدیه، محمد چلداوی از اهواز، رضا مغماسی از ذرفول، محمد کعبی از شوش و ناصر آلبوشوکه از اهواز و علیرضا غبیشاوی از اهالی خلیفه نیز زیر شکنجه کشته شده بودند.

جمیل سویدی کارگر جوشکار بود و برادرش جلیل - که از جمیل بزرگ‌تر است - در سال شصت یا شصت و یک به جرم "خلق عرب" و ارتباط با گروه‌های چپ دستگیر شد و پس از سه سال آزاد گردید اما با حالتی آمیخته با جنون که ناشی از شکنجه

های فراوان در زندان اهواز بود. پس از سه سال جلیل سویدی حالت طبیعی اش را باز یافت. و اکنون نوبت برادر ایشان رسید که به این شکل جان ببازد. ایشان اهل لشکر آباد است و همین بچه های عرب لشکر آباد بودند که در اوایل انقلاب شماری از بچه های چپ غیر عرب را نجات دادند و یکی از اتهامات جلیل سویدی نیز همین بود.

بنا به گزارشات رسیده خانواده جان باخته جمیل سویدی شدیداً تحت کنترل مأمورین هستند، همسایه ایشان اعلام کرده: این کنترل آنقدر زیاد است که ایشان مجبور شدند به شهرستان دیگری جهت مراسم عزاداری بروند.

اسناد دیگری از بی دادگاه های نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی علیه کارگران «خانواده های کارگری»

سری چهارم اسناد

نظام سرمایه داری از آغاز پیدایش خویش، همواره در پی تحصیل سود بیشتر، با استفاده از روابط پیدا و ناپیدای اجتماعی و تولیدی، نرخ استثمار را روز به روز افزایش داده است؛ کارگران نیز اما، در برابر این نابرابری ها، به حق و به درستی مطالبات خویش را مطرح و مبارزه کرده اند. هرچند همواره با سرکوب، زندان، اعدام و اخراج مواجه بوده اند.

در نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران، پروسه ی سرکوب به شکلی وحشیانه تر انجام گرفته و می گیرد؛ به طور مثال وقتی اداره کل وزارت اطلاعات کرج اقدام به دستگیری غلامرضا غلامحسینی، عضو سندیکای کارگران شرکت واحد می کند و آن لحظه ایشان در منزل نیستند، همه ی مدارک و وسایل شخصی، همسر و حتا فرزند 16 ساله ی وی را به گروگان می گیرند تا وی خودش را معرفی نماید. از سوی دیگر، پس از معرفی غلامرضا غلامحسینی، با اینکه اعضای خانواده ی وی آزاد می شوند ولی باز پس گرفتن مدارک مدت ها به طول می انجامد و همه ی اینها زمانی اتفاق می افتد که هیچ امکان مالی برای خانواده ی وی وجود ندارد. (سند شماره 1)

عملکرد جمهوری اسلامی ایران در برابر هرگونه اعتراضی، به ویژه کارگران، بر سرکوب عریان استوار بوده است؛ از جمله با تعیین وثیقه های سنگین و فشارهای اقتصادی بر کارگر و خانواده ی وی آنها را وادار می کند که از اعتراضگری های خویش بکاهند، چرا که پیشاپیش می داند تهیه ی وثیقه ی سنگینی همچون سیصد میلیون ریال، نه تنها برای یک خانواده ی کارگری بسیار دشوار است، بلکه می تواند هر خانواده ای را تا آخر عمر بدهکار کند. (سند شماره 2)

شکل های مختلف سرکوب و فشار در جمهوری اسلامی ایران، همچنان ادامه دارد، به طور مثال با صدور برگ اخطاریه و احضار اعضای خانواده ی کارگری و تهدید به ضبط وثیقه به نفع دولت، فشارهای دوچندانی برای ایجاد رعب و وحشت در سطح جامعه ایجاد می کند، در حالی که نسبت به موازین همان کشور، ربابه آقابگی جرمی مرتکب نشده است و تنها جرم وی این است که ایشان یکی از بستگان غلامرضا غلامحسینی است. (سند شماره 3)

همانگونه که ملاحظه می شود نظام ضد کارگر سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران، به هر نوع سرکوب و فشار متوسل می شود تا تلاش کارگران و زحمتکشان را برای ایجاد و تقویت تشکل های طبقاتی خنثی و کوشش تشکل های موجود کارگری را در عرصه ی اعتراض گری به عقب براند؛ و این روند تا سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران ادامه خواهد داشت. با اشاره به نمونه ی مستند غلامرضا غلامحسینی و بررسی شیوه ی برخورد نظام قضایی با خانواده ی کارگران معترض و متشکل، به شفاف شدن ماهیت ضد کارگری و ضد انسانی جمهوری اسلامی ایران پی می بریم.

نامه‌ی سرگشاده به مسئولین وزارت اطلاعات

وزیر محترم وزارت اطلاعات جناب آقای مسلمی

در تاریخ ۸۹/۷/۱۹ چهار نفر از ماموران اداره کل اطلاعات کرج (استان البرز) به منزل اینجانب غلامرضا غلامحسینی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد مراجعه نموده اند جهت دستگیری اینجانب.

چون من در خانه نبوده ام مامورین وزارت مطبوع شما کلیه اسناد هویتی خود و اعضای خانواده ام را به همراه وسایل شخصی از قبیل: کیس کامپیوتر، رسیور ماهواره، البوم عکس شخصی، تلفن همراه و فرزند ۱۶ ساله ام را با خود برده تا من خودم را معرفی نمایم. اعلام نموده بودند در صورت معرفی نمودن این جانب فرزندم را به زندان منتقل خواهند کرد که همان روز فرزندم را پس از بازجویی آزاد نموده اما اسناد هویتی و لوازم شخصی خودم و خانواده ام را به عنوان گروگان نگه داشته اند تا من خودم را معرفی نمایم. به نظر جنابعالی جلب نمودن یک شهروند نباید مراحل قانونی را طی نماید؟ یا اگر از نظر ماموران وزارت اطلاعات بنده جرمی مرتکب شده ام حکم جلب مرا از سوی مقامات قضایی دریافت نمایند و بعد به منزل من مراجعه نمایند. در صورتی که ماموران مراجعه کننده هیچ گونه دستور کتبی و رسمی از سوی مراجع قضایی و قانونی ارائه ننموده و به زور وارد خانه شده و اسناد و مدارک شخصی مرا با خود برده اند. و بعد از این که همسرم پس از گذشتن چند روز به درس ارائه شه از سوی ماموران مراجعه نموده تا اسناد هویتی خودش را دریافت نماید هیچ کس ایشان را به حضور نپذیرفته است.

و اینک با توجه به بی کاری متوالی من و نبودن هیچ گونه اسناد هویتی همسرم قادر به برداشت پول خودش از بانک نیست و مجبور به قرض گرفتن پول از اقوام و آشنایان است تا امرار معاش کند.

به نظر شما که وزیر وزارت خانه ای در دولت جمهوری اسلامی هستید ماموران تحت امر شما نباید قوانین را سرلوحه‌ی خود قرار داده تا خانواده کارگر بیکار که خواستار اجرای قانون است را بدین گونه دچار مشکل جدی نمایند. آیا این عمل با قوانین و شرع اسلام مغایرت ندارد؟

رونوشت به :

نهاد مقام معظم رهبری

دفتر ریاست جمهوری

رئیس قوه‌ی قضاییه

رئیس قوه مقننه

سازمان بازرسی کل کشور

با کمال تشکر

غلامرضا غلامحسینی

عضو سندیکای کارگران شرکت واحد

۱۳۸۲، ۳، ۹، رام



دادگستری جمهوری اسلامی ایران

استان
اقامتگاه
شهرستان

برگ اخطاریه

آخرین اخطار

نام اخطار شونده	ربابه	حوزه	تهران	نیروی انتظامی
نام پدر	محیی	خیابان	کاشانه - مهر بلندی	
شهرت	آکا سلی	کوچه	پلاک ۱۸	
پیشه		روستا		
محل حضور دادگاه	تهران	شعبه	۳ اجرا	
وقت حضور	۲۰ روز پس از ابلاغ	ساعت اداری		
<p>علت حضور</p> <p>کسوم علی مرصا علی شمس رانی که کارت هوادار است و جهت اجرای حکم به این کسوم معرفی گشته در اعتراض بنفویات و عدم الوثاقتی که در تاریخ ۲۲/۱۰/۱۸۸۲ صورت گرفته است خواهشمند است</p>				
تاریخ صدور و امضاء				
تاریخ ابلاغ	روز	ماه	سال	امضاء
محل گواهی مأمور ابلاغ				

فرم شماره ۵۷/۲۲۰۱۸/۲۳۳ دفتر طرح و برنامه ریزی

*****اعلام وضعیت زندانی*****

زندان رجائی شهر شماره صفحه: ۱ تاریخ گزارش: ۸۹/۱۲/۲۸

شماره عکس: ۷۰۷۶۱	محل نگهداری: اندرزگاه ۴ سالن ۱۲ کد: ۸۹۲۰۸۰۵۳۳۴	کد وضعیت: ۹۰۰	نام و نام خانوادگی: غلامرضا غلام حسینی
نام پدر: حسن	تاریخ وضعیت: ۸۹/۰۹/۲۳	تاریخ وضعیتی: ۸۹/۰۹/۲۳	

قرار ردیف ۱			
وضعیت قضایی:	متهم	و شماره نامه محکومیت	و تاریخ نامه محکومیت
شعبه اجرای احکام	- از بابت قرار شماره	۸۹۱۳۳۸/۱۰۲ ب	مورخ ۸۹/۰۸/۱۲ از شعبه ۱۰۳
دادگاه / دادسرا: دادگاه عمومی بخش قدس شهر قدس			
اتهامات: اقدام علیه نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق ارتباط با رسانه های دشمن با جمهوری اسلامی ایران			
مبلغ	۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال وثیقه	صادر شده است و فعلا بلا	بازداشت قبلی روزهای غیبت
وطی نامه شماره	به سال و ماه و	روز حبس و مبلغ	روزهای غیبت
ریال جریمه و	ضربه شلاق محکوم گردیده است.	میزان دیه	تاریخ پایان جریمه:
تاریخ شروع محکومیت:	تاریخ پایان حبس:		
توضیحات قرار: نامبرده به مدت یکماه در اختیار اداره اطلاعات غرب استان تهران باشد. قرار بازداشت وثیقه تبدیل شد ۸۹،۱۲،۲۴			

قرار ردیف ۲			
وضعیت قضایی:	متهم	و شماره نامه محکومیت	و تاریخ نامه محکومیت
شعبه اجرای احکام	- از بابت قرار شماره	۸۹۰۳۳۹/۲ ب	مورخ ۸۹/۰۹/۲۳ از شعبه ۲
دادگاه / دادسرا: دادسرای شهید مقدس مستقر در اوین تهران			
اتهامات: تظاهر و مداخله در امور کالت			
مبلغ	۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال وثیقه	صادر شده است و فعلا بلا	بازداشت قبلی روزهای غیبت
وطی نامه شماره	به سال و ماه و	روز حبس و مبلغ	روزهای غیبت
ریال جریمه و	ضربه شلاق محکوم گردیده است.	میزان دیه	تاریخ پایان جریمه:
تاریخ شروع محکومیت:	تاریخ پایان حبس:		
توضیحات قرار: *			

***** (جمع بندی) *****			
نامبرده کلا بابت محکومیت های فوق به	سال و	ماه و	روز حبس و
ریال جزای نقدی محکوم گردیده است.			روزهای غیبت
<< تاریخ شروع محکومیت	و تاریخ آزادی نامبرده فوق (فقط حبس) مورخ		>> تقویم شده است.<<
>> در صورت عدم پرداخت جریمه تاریخ آزادی حبس بدل از جریمه مورخ	تقویم شده است.<<		
توضیحات زندانی:			

تعداد سابقه قبلی:	فقره.	تاریخ برگشت	کل روزهای غیبت:
تعداد سابقه مشابه:	فقره.	غیبت	
تاریخ آخرین مرخصی:	مدت		

نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

کشتار فجیع کارگران در مسلخ سرمایه

۲۴ نوامبر ۲۰۱۲)، در کارخانه "تزرین" در برپایه گزارشات منتشره در سطح سایت ها در اواخر شب شنبه ۴ آذر (منطقه "آشولیا" واقع در حومه "داکا" پایتخت بنگلادش آتش سوزی عظیمی رخ می‌دهد که در نتیجه آن ۱۲۲ کارگر است به مانند آتش سوزی اخیر تکرار بهره کشی از گرده کارگران از دست می‌دهند. جان خود را شهرکراچی پاکستان در سپتامبر ۲۰۱۲ که در یک کارخانه ی پوشاک با همین مشخصات اتفاق افتاد و مرگ دلخراش بیش از ۳۰۰ نفر را که تعدادی از آنان کودکان کار بودند، با خود بدنبال داشت، در آنجا نیز ساختمان چهار طبقه فاقد امکانات اولیه برای مهار حریق بود. آن فاجعه و خاکسترهایش هنوز فروکش نکرده بود که آتش سوزی دیگری در روز چهارشنبه ۱۲ سپتامبر در یک کارخانه کفش در شهر لاهور رخ داد که جان بیش از ۲۵ کارگر را گرفت. هنوز که هنوز است مقصرین آن آتش سوزی تا به امروز مشخص نشده اند و یا تکرار انفجار کارخانه غدیر یزد است که در آن هیجده کارگر این کارخانه زنده زنده سوختند و مجروحین بیشماری بدنبال داشت. سوختن و انفجار کارخانه ها و از دست رفتن کارگران به صدراخبار رسانه ها بدل شده است ولی چپاول سرمایه داری بدان توجه ای نداشته و ندارد. "کارخانه تزرین بنگلادش" تولید کننده پوشاک، یکی از ۴۰۰۰ کارخانه پوشاک و نساجی در بنگلادش است که برای مارکس اسپنسر، کهل و H&M, Penny JC شرکت های معروف لباس در جهان نظیر تسکو، و المارت، کارفور یعنی برای کنسرن های بزرگ مد، انواع لباس تولید می‌کنند. بخشی از حوادث محیط کار در ایران نیز ناشی از همین گونه آتش سوزی هاست. که باید به قول شاعر بحق گفت: " اول بنا نبود بسوزند [کارگران] - آتش بجان [سرمایه] فند، کاین بنا نهاد!"

صدور سرمایه به کشورهای جهان سوم جهت کسب سود هرچه بیشتر به سبب وجود مواد اولیه و نیروی کار ارزان و همچنین عدم وجود قوانین حمایت از کارگران، سیاست پرسودی است که اکثر کنسرن های چندملیتی را با آز و ولع سیری ناپذیری به این سوسوق داده است. این شرکت ها به این موهبت بدست آمده به قیمت استثمار و حشیانه کارگران اکتفا نکرده و برای بدست آوردن بازهم ارزانتر کالا، عملاً با جان کارگران بازی می‌کنند. فقدان هرگونه وسائل ایمنی در محیط کار، حتی نداشتن راه خروج اضطراری و نقص در سیستم برقرسانی که نداشتن آنها هزینه تولید را به مقدار قابل ملاحظه ای پایین می‌آورد، از عوامل عمده مرگ فجیع این ۱۲۲ انسان است، رؤسای این کارخانه به صراحت گفته اند: " آنها تحت فشار قرار دارند که هرچه بیشتر لباس با هزینه هرچه کمتر تولید کنند". یعنی ایمنی کارگران اولویت صاحبان سرمایه نیست.

۱۲۲ کارگر به این سادگی و با این ارزانی در آتش سود و طمع سرمایه جزغاله می‌شوند و خانواده هایشان با بی-سرپرستی محکوم به فقر و تیره روزی بازهم بیشتر می‌شوند، تا عده ای سرمایه دار پروا تر شده و بازم به غارت و استثمار و کشتار بیشتر کارگران ادامه دهند. این جنایتی آشکار علیه بشریت از سوی این سیستم ضد انسانی است و مرگ تکان دهنده و دلخراش این کارگران بار دیگر ضرورت براندازی و نابودی ریشه ای این نظام بربرمنشانه و ضد بر علیه چنین وضعیتی و برای نابودی چنین سیستم بی رحم و کارگر کشی است که در سراسر کارگری را نشان داد. کره زمین که کارگران زیر سر نیزه نیروهای سرکوبگر صاحبان ابزار تولید به راحتی قادر به نفس کشیدن نیستند، مبارزات طبقه کارگر و توده های زحمتکش شعله می‌کشد. فریاد بلند کارگران سراسر جهان علیه این نوع جنایات، تلاش پیگیر برای تشکل، همبستگی و گسترش جبهه کار علیه سرمایه، تنها راه رسیدن طبقه کارگر به جهانی بدون ظلم، غارت، استثمار، جنگ و آدم‌کشی است.

نگ و نفرت بر این سیستم خانمان سوز باد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

سه شنبه ۷ آذر ۱۳۹۱ برابر با ۲۷ نوامبر ۲۰۱۲

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هواداران و دوستانان جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینهای پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و یا به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، آکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست.

برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!